

به نام خدا

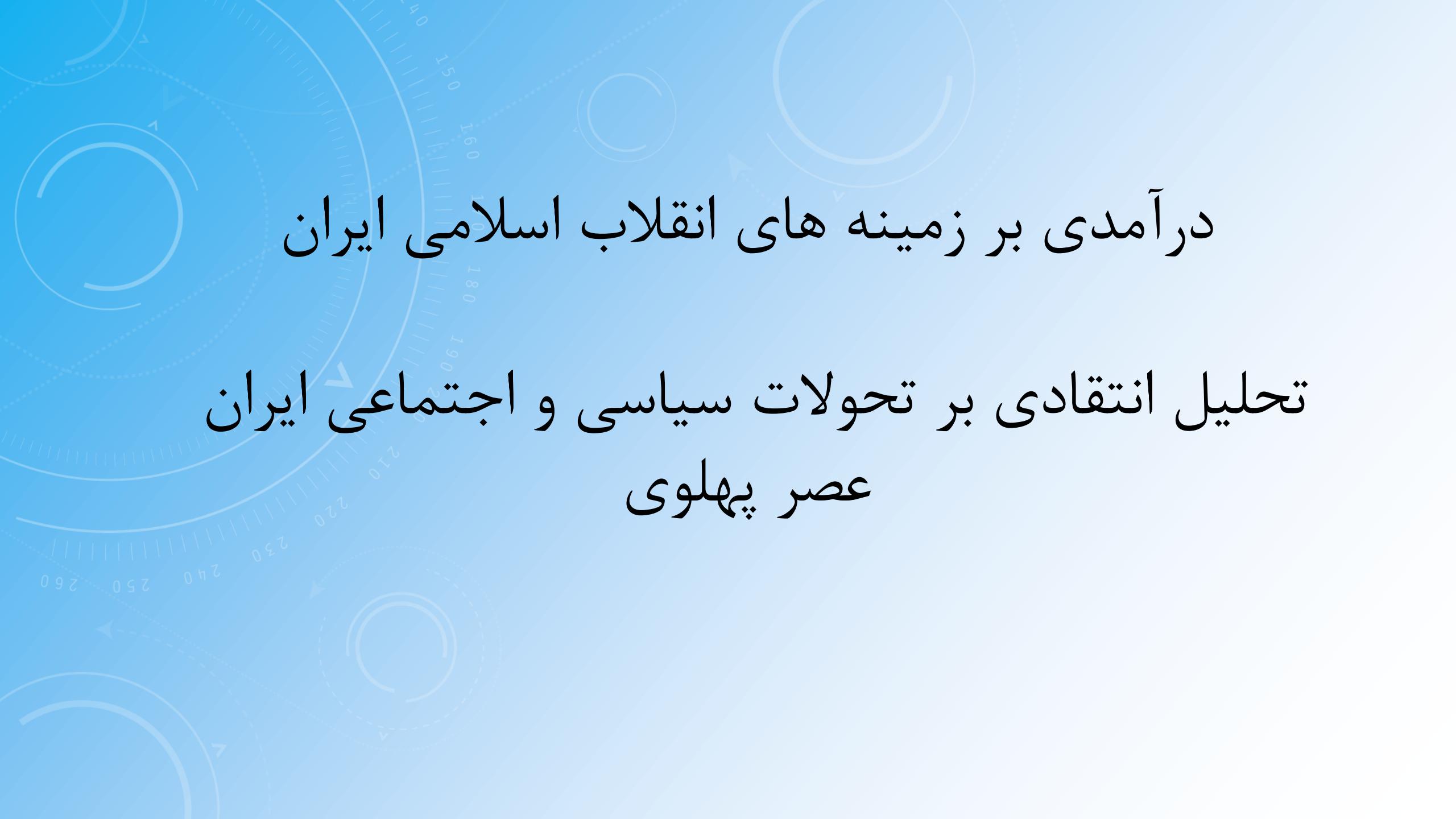


دانشگاه صنعتی امیرکبیر
(پلی تکنیک تهران)

انقلاب اسلامی ایران

احمدرضا رحیمی کلاریجانی

شهریور ۹۶



درآمدی بر زمینه های انقلاب اسلامی ایران

تحلیل انتقادی بر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

عصر پهلوی

فهرست مطالب

فصل اول

بررسی زمینه های انقلاب اسلامی از منظر بین المللی،
قدرت های بزرگ و مناسبات بین المللی و منطقه ای

۱. بررسی از منظر وجه اعتبار
۲. بررسی از منظر وجه کارآمدی
۳. بررسی از منظر وجه ایدئولوژیکی
۴. بررسی از منظر وجه خصوصی

فصل دوم

بررسی زمینه های انقلاب اسلامی از منظر توسعه
قدرت های بزرگ و مناسبات بین المللی و منطقه ای

۱. بررسی از منظر نارضایتی
۲. بررسی از منظر سازمان
۳. بررسی از منظر ایدئولوژی
۴. بررسی از منظر وجه رهبری

فصل سوم

مقدمه اول

مطالعه انقلاب اسلامی ایران بر خلاف سایر انقلاب‌ها دشواری‌های خاص خودش را برای محقق انقلاب اسلامی دارد:

الف/ انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلاب‌هایی است که علی‌رغم گذشت نزدیک به نیم قرن از عمر انقلاب به صورت مستمر و در توالی زمانی متعدد در معرض تهدید و سرنگونی از جانب قدرت‌های بزرگ و معظم جهانی است...

ب/ انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلابات نادری است که مطالعه و تحقیقات هدایت شده و هدفمند علیه آن صورت می‌گیرد. در قالب کتاب، مقاله، فیلم مستند، شبکه‌های اجتماعی و

ج/ محور سوم دشواری تحلیل انقلاب اسلامی تداخل درک شخصی و فردی در شرایط زمانی و مکانی و مواجهه با مخاطب است

در تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی ایران پنج شاخص و ویژگی را مفروض می‌گیریم :

۱. سرعت فروپاشی نظام سیاسی مستقر و فروپاشی همزمان رژیم سیاسی و نظام سیاسی
۲. مردمی بودن انقلاب اسلامی /: تجربه انقلاب‌های معاصر از انقلاب فرانسه تا انقلاب روسیه، چین و ... / بورژوازی شهری / دهقانی و کشاورزی / کارگری / طبقه متوسط ... / تحقق اراده عمومی / جمهوریت
۳. اسلامی بودن و دینی بودن انقلاب
۴. رهبری انقلاب
۵. نظام سازی در انقلاب

مقدمه دوم

یک تحلیل سیاسی انتقادی چگونه باید باشد:

۱. تجربی باشد نه تجربه گرا
۲. تصور یا برداشتی متوازن از رابطه میان ساختار و کارگزار داشته باشد
۳. تصوری فraigیر از امر سیاسی داشته باشد
۴. نسبت به نقش علی و سازنده افکار و تصورات در تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حساس باشد
۵. نسبت به محتمل بودن یا بازبودگی و پیش بینی ناپذیری ذاتی نظامهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دقیق باشد

مقدمه سوم

استراتژی‌های تحلیل سیاسی :

۱. استراتژی تحلیل همزمانی
۲. استراتژی تحلیل ایستایی شناسی همسنجانه
۳. استراتژی تحلیل درزمانی

۱- استراتژی تحلیل همزمانی

تحلیل همزمانی تحلیلی است که با برش زمانی یا متوقف کردن زمانی موضوع تحلیل بعدی خاص از ساختار روابط اجتماعی یا سیاسی را محور بررسی قرار می‌دهد.

تحلیل همزمانی تحلیلی است که موضوع خود را از جریان توالی زمانی رویدادها بیرون می‌کشد و در حوزه نظری مغضوبیت از قلمرو زمانی قرار می‌دهد. حوزه‌ای که در چارچوب آن می‌توان موضوع را مورد بررسی ساختاری دقیق قرار داد. مثلاً تصور کنید که علاقه‌ای ویژه به ساختار و شکل یک دولت دوره پس از جنگ داریم. در واقع اگر مشتاق اتخاذ تحلیل همزمانی باشیم در واقع این دولت را در نقطه‌ای معین از زمان متوقف می‌کنیم تا ساختار و شکل آن در همان لحظه را توصیف و تشریح کنیم. فرض می‌کنیم که تحلیل ما تبیینی کلی از ساختار و شکل دولت مورد بررسی عرضه می‌کند که می‌توان به کل دوره پس از جنگ تعمیم داد.

تحلیل همزمانی در واقع عکس‌برداری از شیء در حال حرکت است.

۲. استراتژی تحلیل ایستایی شناسی همسنجانه

این استراتژی نوعی تحلیل همزمانی است که در چارچوب آن تحلیل‌گر به همسنجی و مطابقت تحلیل‌های همزمانی مربوط به مقاطع زمانی مختلف می‌پردازد و بدین طریق، اشکال نظام مورد بررسی در مقاطع گوناگون تحول آن را با هم مقایسه می‌کند (کالین‌های ص ۲۳۹). مثلاً اگر به تحول همان دولت در دوره پس از جنگ علاقه‌مند باشیم، می‌توانیم با یک برش زمانی در سال ۱۳۶۸ و یک برش زمانی دیگر در سال ۱۳۷۶ یا زمان حال به تطبیق و مقایسه آن دو دوره بپردازیم.

اینگونه تحلیل هرچند دربرگیرنده نکاتی درباره گستره و جهت دگرگونی در طول زمانی خاص است، در راستای پی بردن به خود فرآیند دگرگونی، ما را چندان راهنمایی نمی‌کند. مثلاً درباره ماهیت، آهنگ و یا زمان بندی دگرگونی در دوره پس از جنگ چیزی به ما نمی‌گوید. این رهیافت در بررسی مسئله دگرگونی نهادی، بر تضادها یا دوگانه انگاری‌های تاریخی تأکید دارد. مثلاً تجدد در برابر فراتجدد و یا اقتصاد ملی بسته در برابر اقتصاد جهانی باز.

۳. استراتژی تحلیل در زمانی

تحلیل در زمانی بر فرآیند دگرگونی در طول زمان تأکید می‌کند. در اینگونه تحلیل به جای اینکه فرض شود فرآیند تحول نظامی مانند دولت را می‌توان به مراحلی قسمت کرد که در طول هر کدام از آنها، ساختار و شکل نظام را می‌توان ایستا یا ثابت فرض کرد، روند تحول و آهنگ دگرگونی به عنوان موضوع قابل بررسی تجربی تلقی می‌شود (کالین‌های ص ۲۴۳).

این تحلیل، تاریخی است و فرآیند دگرگونی در طول زمان را مورد تأکید قرار می‌دهد. اگر رهیافت همزمانی مانند عکسبرداری در لحظه‌ای معین باشد آنگاه رهیافت ایستایی شناسانه همسنجانه مانند عکسبرداری در زمان‌های مختلف؛ رهیافت در زمانی مانند فیلمبرداری است که حرکت پدیده مورد بررسی را ثبت می‌کند. اگر براستی به فرآیند دگرگونی علاقه مندیم باید تحلیل خود را به همین تحلیل در زمانی محدود کنیم که در جستجوی شناسایی فرآیندها در گذر زمان است. تحلیل در زمانی قابلیت آن را دارد که درباره فرآیند پیچیده و اغلب پیش‌بینی ناپذیر دگرگونی اجتماعی و سیاسی بیشترین آگاهی و بصیرت را به ما می‌دهد.

۳. استراتژی تحلیل در زمانی

در این چارچوب تحلیلی، شتاب، زمانبندی و شکل یا الگوی دگرگونی اجتماعی و سیاسی در طول زمان وجود دارد.

الگوهای گوناگون از دگرگونی را می‌توان شناسایی کرد که شاید مناسب بسترهای متفاوت باشند. شاید دلایل مناسب

بسیاری وجود داشته باشند که بگوییم در برخی بسترهای اجتماعی و سیاسی، دگرگونی به صورت مرحله‌ای یا

منقطع است ولی در بسترهای دیگر روند دگرگونی افزایشی‌تر و انقلابی‌تر است. پس باید به شرایطی که در چارچوب

آنها دگرگونی، آهنگ و زمانبندی‌هایی متفاوت پیدا می‌کند توجه داشته باشیم (کالین‌های ص ۲۴۶). لذا می‌توان دو

نوع دگرگونی را از یکدیگر متمایز نمود: ۱- دگرگونی تدریجی ۲- دگرگونی انقلابی

۲- دَگرگُونی انقلابی

مفهوم انقلاب در فراگیرترین معنای آن، معطوف است به فرآیند ناگهانی دَگرگُونی نهادی/نظاممند که در جریان آن ویژگی‌های برجسته نظام اجتماعی و سیاسی به میزانی چشمگیر تغییر می‌یابند.

فرآیند انقلابی دَگرگُونی، نوعی گستگی است که در جریان آن معمولاً دوره‌های ثبات به واسطه دَگرگُونی‌های بنیادی ناگهانی، شدید و سریع قطع می‌شود (کالین‌های صفحه ۲۴۶).

ساموئل هانتینگدن (Samuel Huntingdon) انقلاب را دَگرگُونی سریع، بنیادی و خشونت بار در ارزش‌ها، اسطوره‌ها، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، عملکرد و سیاست‌های حکومتی یک جامعه تعریف کرد.

تصور انقلابی از دَگرگُونی اجتماعی و سیاسی شاید به صورت‌های متفاوتی نمود یابد.

نکته قابل تأمل باشیستی اندیشمندانی که از لحاظ نظری تاریخ را همچون توالی مراحلی که به واسطه تحولات انقلابی ناگهانی جایگزین یکدیگر می‌شوند در نظر می‌گیرند و اندیشمندانی که روایت انقلابی آنها از فرآیند دَگرگُونی بیشتر بر نظام‌های تجربی مشاهده استوار است تمایز قائل شد.

۲- دگرگونی انقلابی

در روایت نخست که رهیافتی قیاسی‌تر است، مارکسیست‌ها و نظریه‌پردازان نئو/پست مارکسیست قرار دارند که بر پایه چارچوب نظری خود، تاریخ را نوعی توالی دوره‌های سکون نسبی و تحولات ساختاری سریع می‌دانند. افزون براین، نویسنده‌گانی هم وجود دارند که می‌کوشند به صورتی توالی گونه و بیشتر غیرکارگزارانه، تصویر آنچه را تاریخ طبیعی یک چرخه انقلابی گریز ناپذیر می‌دانند (کالین‌های ص ۲۴۷).

برخلاف چنین رهیافت‌های قیاسی، رهیافت استقرایی درباره انقلاب در کل متنوع‌تر است. طیفی گسترده را در بر می‌گیرد. از نظریه‌پردازان سیاسی هنجاری مانند ادموند برک و الکسی دوتوكویل تا جامعه شناسان علاقه‌مند ردیابی فرآیند دگرگونی نهادی در گذر زمان و در نهایت رفتارگرایان خواهان کشف تجربی عوامل مقدم بر دگرگونی انقلابی وجه مشترک این پژوهشگران و نظریه‌پردازان تصوری از دگرگونی اجتماعی و سیاسی است که بنابر آن انقلاب، با قطع کردن دوره‌های ثبات نسبی، نقش کلیدی در دگرگونی بازی می‌کند.

فصل اول

زمینه‌های انقلاب اسلامی از منظر ساختار قدرت

۱. زمینه‌های انقلاب از منظر وجه اجبار ساختار قدرت «بحran سلطه سیاسی» دولت‌ها
۲. زمینه‌های انقلاب از منظر وجه کارآمدی ساختار قدرت «بحran کارآمدی» دولت‌ها
۳. زمینه‌های انقلاب از منظر وجه ایدئولوژیک ساختار قدرت «بحran مشروعیت» دولت‌ها
۴. زمینه‌های انقلاب از منظر وجه خصوصی ساختار قدرت «بحran در پایگاه خصوصی» دولت‌ها

بررسی زمینه‌های انقلاب از منظر وجه اجبار یا سلطه سیاسی

در بررسی زمینه‌های انقلاب از منظر وجه اجبار به دو سوال اساسی باید پاسخ داد:

۱- نسبت بین وجه اجبار و ساختار قدرت

الف/ رژیم‌های غیر نظامی

ب/ رژیم‌های نظامی

۱- رژیم‌های نظامی یکه تاز و غیر پادگانی

۲- رژیم‌های نظامی سلسله مراتبی و پادگانی

۲- نسبت بین وجه اجبار و انقلاب

الف/ متغیر مستقل

ب/ متغیر وابسته

• انواع رژیم های نظامی

الف / رژیم نظامی پادگانی و سلسله مراتبی: رژیمی است نظامی که علاوه بر دستیاری به قدرت از طریق کاربرد زور و قوه قهریه، اعمال قدرت و تداوم قدرت هم بر یا یه زور می باشد. در این نوع رژیم ها پایداری سیاسی و تضمین ثبات سیاسی بر زور استوار است و قدرت به مانند سلسله مراتب پادگان بین نظامیان توزیع می شود. در این نوع رژیم مجاری مشارکت دادن غیر نظامیان مسدود، ولی

بر پایه نظم اهنین و کنترلی شبه پادگانی از طریق ایجاد حزب سیاسی وفادار به ارمان و ایدئولوژی رژیم و با الزام به بکار گیری ظرفیت متخصصان در برنامه نوسازی و تجدیدگرایی، امکان ورود دادن غیر نظامیان به صورت گزینشی فرا هم می شود.

در این نوع رژیم نظامی در طی یک بازه زمانی و با کسب اطمینان از غیر نظامیان بخصوص وفاداران حزبی غیر نظامی امکان انتقال قدرت به غیر نظامیان و بازگشت نظامیان به درون پادگان ها فراهم می شود. و نوعی انتقال توافقی قدرت صورت می گیرد

در صورت انتقال قدرت هیچ تهدیدی نسبت عملکرد نظامیان صورت نمی گیرد. هر چند که نظامیان همواره خود را نگاهبان تداوم رژیم و عمل در جارچوب ایدئولوژی می دانند و در صورت عدول و یا تخطی از ایدئولوژی به قدرت بر می گردند.

در هر دو نوع رژیم نوعی ماموریت گرانی نوسازانه با شکلی از ناسیونالیسم باز تعریف شده و سازگار با وجه اجبار در غالب یک ایدئولوژی ایجاد و از طریق دستگاه دیوان سalarی در خدمت رژیم تلاشهای مشروعیت بخشی و مقبوایت بخشی صورت می گیرد.

ب/ رژیم های نظامی غیر پادگانی، یکه تاز و پدر سلطانی :

نوعی از رژیم نظامی است که علاوه بر دستیابی قدرت از طریق کاربرد زور قوه قهریه و تداوم قدرت بر پایه زور اعمال قدرت در ان به شدت شخصی و تحت انحصار یک اقتدار شخصی قرار دارد. که منجر به شکل گیری یک قدرت مطلقه سلطانی می شود.

ماموریت گرائی بر پایه یک برنامه نوسازانه، ناسیونالیسم باز تعریف شده سازگار با نوعی غرب گرائی افراطی، تجدد گرائی گریزان از دین و فرهنگ بومی و وجه اجبار به شدت سرکوب گر و بی رحم و مداخله گر و فraigیر، برآمده از اراده و تمایلات شخصی سلطان دستگاه ایدئولوژی این رژیم را شکل می بخشد. که با بهره گیری از شبکه گسترده و سراسری دستگاه دیوانسالاری اداری. دستگاه های مدرن تبلیغاتی، نظام اموزشی سراسری و شبکه گسترده

سازمان زور اعم از ارتش و پلیس اگاهی، پایه های تحکیم این رژیم را شکل می بخشد.

در این نوع رژیم نظامی مشارکت دادن متخصصان و غیر نظامیان در قدرت بستگی به میزان وفاداری و اطمینان به شخص سلطان یا فرمانروا دارد و مناسب سیاسی در مرحله نخست میان نظامیان وفادار و مورد اطمینان توزیع می شود، سپس به متخصصان غیر نظامی وفادار. میزان و درجه وفاداری اساس بکارگیری در سمتها است. لذا دایره قدرت محدود است به حلقه بستگان و یاران مورد وثوق. بطور کلی مجاری قدرت در این نوع رژیم ه مسدود و باور به ایجاد حزب وفادار و توزیع مناسب براساس شایستگی وجود ندارد.

شخصی شدن قدرت، موروثری شدن قدرت، سلطانی شدن مناسبات قدرت. در کنار سرکوب گری بی رحمانه، ریکرد رعیت مئابانه به مردم، تصور ملک شخصی به، کشور سوء ظن شدید حتی به نزدیکان.....شاخص های برجسته این نوع رژیم است

وجه اجبار



اجزا و جه اجبار دولت‌ها

۱- اجبار ابزاری

۲- اجبار ساختاری

۳- اجبار ایدئولوژیک

۱- اجبار ابزاری

به معنی تحمیل اراده حکومت بر مخالفین از طریق کاربرد ابزارهای مادی و آشکار یعنی ارتش، پلیس، زندان، نیروهای امنیتی و دادگاه

۲- اجبار ساختاری

آن نوع اجباری است که در ساختار قوانین و مقررات تعییه شده و دیگر حکومت لزوماً برای تامین هدف به زور متولّ نمی‌شود.

۳- اجبار ایدئولوژیک

در حالی که در اجبار ابزاری و ساختاری فرد می‌داند که باید از قدرت برتر حکومت و یا قوانین آن اطاعت کند و چاره‌ای دیگر ندارد، در اجبار ایدئولوژیک وی اصولاً نسبت به این که مورد اجبار قرارگرفته است واقع نیست و معقول می‌پنداشد.

عوامل موثر بر بحران در وجه اجراء دولت‌ها

■ حکومت سازمانی است که وسایل اجبار و قهر و سرکوب سلطه مرکز و انحصاری دارد. از همین رو میزان تمایل و توانایی آن در سرکوب مخالفت و مقاومت عامل بسیار مهمی در فروپاشی یا استمرار رژیم‌های غیر دموکراتیک به شمار می‌آیند. بحران سلطه و استیلا در رژیم‌های غیر دموکرات به دلایل گوناگون صورت می‌گیرد.

- ۱- بروز اختلاف نظر در هیئت حاکمه در امر میزان و شیوه کاربرد نیروهای نظامی و انتظامی در شرایط بحران فزاینده و در مقابله با مخالفان.
- ۲- پیدایش شکاف و اختلاف و چند دستگی در درون خود نیروهای مسلح در شرایط بحران عمومی و انعکاس چند دستگی‌های اجتماعی در آن
- ۳- تضعیف نیروهای مسلح در نتیجه عواملی چون حمله خارجی یا وقوع جنگ
- ۴- تشکیل نیروی نظامی رقیب در درون کشور یا در کشورهای همسایه
- ۵- قیام و شورش بخشی از ارتش بر ضد رژیم غیر دموکراتیک
- ۶- ضعیف شدن اعتماد به نفس و اراده معطوف به قدرت اعضا اصلی هیئت حاکمه به دلایل گوناگون در شرایط بحران
- ۷- پیدایش هسته‌های مقاومت چریکی و شبه مظامیان بر ضد رژیم غیر دموکرات
- ۸- گرایش بخشی از هیئت حاکمه به مدارا و تساهل سیاسی و یا گسترش روحیه تجمل پرستی و تن آسایی در آن

تبیین زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران از منظر وجه اجبار مطابق استراتژی تحلیلی در زمانی

طرح دو سوال و تبیین پاسخ مناسب

- ۱- نسبت بین وجه اجبار و ساختار قدرت در ایران سال‌های ۱۳۵۷-۱۲۹۹ (عصر پهلوی)
- ۲- نسبت بین وجه اجبار و فرایند شکل گیری جنبش انقلابی در ایران

تحلیل انتقادی ساختار قدرت از دریچه وجه اجبار در

عصر پهلوی

۱- تحلیلی تاریخی در ظهور و استمرار ساختار قدرت ایران ۱۲۹۹-۱۳۲۰ (عصر رضا شاه)

رژیم سیاسی ایران قبل از کودتای ۱۲۹۹ و جایگاه آن در ساختار قدرت

رژیم مشروطه پارلمانی با اجزایی چون :

- دربار

- کابینه

- مجلس

- قانون

- مردم

هر ویژگی تدریج در این بازه زمانی

- ۱- تنوع در ساختار قدرت و شکل گیری نوعی ساختار و قدرت متکره
- ۲- امتناع از کاربرد زور در مناسبات سیاسی
- ۳- مشارکت مردم در مناسبات قدرت اعم از دستیابی، اعمال و تضمین قدرت)
- ۴- قانون عنصر همبستگی بخش و تضمین کننده ثبات سیاسی و پایداری سیاسی
برایند رژیم سیاسی در ایران عصر مشروطه ناپایداری سیاسی و بی ثباتی
دو دسته علل و عوامل را می توان به عنوان علل بازدارنده استقرار نظام سیاسی پایدار در ایران آن مقطع زمانی
تحلیل کرد:

الف/ عوامل داخلی

ب/ عوامل خارجی

الف/ محورهای داخلی بازدارندگی همبستگی سیاسی و ثبات سیاسی

- ۱- تضاد تراحم نظری و عملی در نظام سازی/ طرفداران نظام پیشین در راس آن شاه و دربار و موافقان نظام جدید منازعه بر سر بنیانهای فکری مشروطه خواهی و چگونگی اجرایی سازی آن
- ۲- شکل گیری شکاف و مناقشه بین دربار، کابینه و مجلس در مراحل تکوینی نظام سیاسی
- ۳- برداشت و تصوری متضاد از قانون به عنوان عنصر همبستگی بخش و عنصر تضمین کننده استمرار نظام سیاسی
- ۴- تاثیر شکاف‌های سیاسی در ناپایداری سیاسی و مستاجل بودن عمر دولت‌ها

ب/ عامل خارجی

- دخالت بی پایان انگلستان و روسیه در امور داخلی ایران/ که دارای مبنایی توجیهی دو وجهی است که یک وجه آن رقابت با آنها در سطح مفهومی و ایدئولوژیکی و وجه دیگر آن منافع اقتصادی و استراتژیکی است.

از امتیازات اقتصادی و بازرگانی، بانکی و گمرکی تا دخالت در تصمیم سازی‌ها و نفوذ در بین رجال سیاسی و نخبگان تا نهادهای حاکمیتی و ساختار قدرت.

امتیازاتی چون توتون و تنباکو، تاسیس بانک، استخراج، تولید و بهره برداری و فروش نفت، دارسی، امتیازات مربوط به معافیت عوارض گمرکی و انحصارات بازرگانی و تجاری برای تجار روس و انگلیس، فعالیت میسیونرهای مذهبی و ایجاد مراکز آموزشی تا ایجاد قوای نظامی در ایران، لشکر قزاق توسط روس‌ها و پلیس جنوب توسط انگلیسی‌ها

مداخله در امور داخلی ایران و نقص حاکمیت ملی و استقلال سرزمینی ایران با قراردادهایی چون :

۱- قرارداد ۱۹۰۷

۲- قرارداد ۱۹۱۵

۳- قرارداد ۱۹۱۹

دو حادثه جنگ جهانی اول از اشغال نظامی تا انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و تاثیر آن بر مناسبات سیاسی ایران

- شکل گیری شکاف بین مرکز و پیرامون

ایران در آستانه وضعیت سرنوشت ساز و نقطه عطف تاریخی

۱- بروند رفت از وضعیت شکاف و واگرایی موجود از طریق فتح تهران و حکومت مرکزی بوسیله هریک از قیام‌های پیرامونی مانند جنبش گیلان به رهبری میرزا کوچک خان، که دارای سبقه انقلاب گرایی و تحول خواهی است.

۲- بروند رفت از وضعیت موجود با اقدام حکومت مرکزی، مانند انتصاب یک صدر اعظم مقدر و استقرار ثبات و پایداری سیاسی و امکان حصول کارامدی

۳- انتقال قدرت به دولت مهاجرت ملی که از پشتوانه مجلس و نخبگان برخوردار است.

۴- اجرای قرارداد ۱۹۱۹

۵- توطئه کودتای ۱۲۹۹

تغییر معادلات بین المللی و منطقه‌ای و تاثیر آن بر سرنوشت ایران با پایان جنگ جهانی اول، فروپاشی دو

امپراطوری همسایه ایران، امپراطوری تزار روس و امپراطوری عثمانی و تبدیل انگلستان به قدرت بلامنازع

بین المللی و منطقه‌ای و تاثیر این امر بر سرنوشت ایران، ایران از دریچه انگلستان

۱- انقلاب کمونیستی در روسیه و ایجاد مانع در مقابل نفوذ کمونیسم در ایران

۲- فروپاشی امپراطوری عثمانی و ایجاد کشور تحت حمایت انگلستان در همسایگی ایران

۳- نفت و اهمیت آن و استمرار بهرمندی از امتیاز نفت ایران از یک طرف به عنوان کالای اساسی

استراتژیک و از طرف دیگر نفع مالی برای بازسازی کشور جنگ زده انگلستان

بن بست قرارداد ۱۹۱۹ و عملیاتی شدن مقدمات کودتای ۱۲۹۹

قرارداد ۱۹۱۹ : با دو دسته موافع داخلی و خارجی مواجه می شود

مقدمات کودتای ۱۹۲۹

۱- برنامه ریزی برای نفوذ در لشگر نظامی قزاق به عنوان یک ضلع اجرایی سازی کودتا

۲- اجرای برنامه خروج قوای نظامی انگلستان از ایران و بزرگنمایی خطرات ناشی از خروج بخصوص بر روی پایتخت

- ۳- بزرگنمایی خطر پیش روی کمونیست بخصوص با بزرگ نمایی پیش روی قوای میرزا کوچک خان
- ۴- گفتمان سازی رسانه ای، فکری و نوشتاری از طریق نویسنده‌گان و روزنامه نگاران همسو
- ۵- فعالیت دستگاه جاسوسی انگلستان و ارتباط برخی از رجال سیاسی وابسته به انگلستان و کار بر روی رجال سیاسی
- ۶- بهره گیری از ضعف و سستی دربار و شخص شاه و بستر سازی کودتا

۱- بررسی اتاق فکر کودتا با ترکیبی از :

الف/ تعدادی از روشنفکران و روزنامه نگاران از جمله سید ضیالدین طباطبائی (اعضا کمیته زرگنده یا کمیته آهن)

ب/ ضلع دوم نظامیان / به سرکردگی رضا خان میرپنج

پ / عناصر نظامی، امنیتی و دیپلماسی انگلستان

۲- فرایند عملیات کودتا و واکنش اولیه کودتا

الف- فتح تهران بدون کمترین مقاومت

ب- ملاقات سفیر انگلستان با شاه

پ- ملاقات نمایندگان کودتاگران با شاه

ت- ملاقات سید ضیالدین طباطبایی با شاه

- حکم صدر اعظمی + لقب سردار سپه برای رضا خان + حکم فرماندهی کل قوا

۳- بررسی محتوای دو بیانیه

الف/ بیانیه رضاخان «حکم می کنم»

ب/ بیانیه سید ضیالدین طباطبایی

مناقشه در تاریخ بر سر دستاورد اولیه کودتا

۱- لغو قرارداد ۱۹۱۹

۲- انعقاد قرارداد ۱۹۲۱

۳- حل مناقشات مرکز و پیرامون مثل قیام میرزا کوچک خان، شیخ محمد خیابانی و شیخ خزئل

۴- القاء کاپیتولاسیون

زمینه‌های تغییر رژیم سیاسی در ایران، تغییر از رژیم پارلمانی به رژیم نظامی

۱- از تضمین اولیه سلطنت احمدشاه و خاندان قاجار تا چرخش برای تغییر رژیم

گام اول مستحکم شدن جایگاه رضا خان در ساختار قدرت

گام دوم حذف رقبا

گام سوم غائله جمهوری خواهی

گام چهارم خلع ید احمدشاه و انقراض سلسله قاجاریه

گام پنجم جلوس رضاخان بر تخت شاهی و استقرار سلسله پهلوی

استقرار رژیم نظامی یکه تاز و پدر سلطانی :

هر چند که رژیم سیاسی ایران عصر رضا شاه به ثبات سیاسی و کارامدی دست یافت . اما قدرت‌ها در دست رضا شاه متمرکز گردید.

شاهی که خاستگاه نهادین و کلیدی او ارتش بود. به همین سبب می‌توانیم رژیم رضا شاهی را استبداد نظامی بنامیم. سلطه و سیطره قدرتمند دولت، خود را برای مداخلات در امور اقتصادی، صنعتی، آموزشی، فرهنگی و هموار نمود. در توجیه ایدئولوژیکی برنامه‌های اقتصادی، قضایی، آموزشی و ... روند تجدد خواهی، آمیزه متناقضی از ناسیونالیسم باستانگرایانه و غیر دینی و غرب گرایی اقامه شد. اصلاح بنیادین رضا شاه ارتشی قدرتمند بود که قدرت دولت را در همه جا به اجرا در آورد جان فوران به نقل از اپتن می‌نویسد بیشتر اصلاحات دیگر رضا شاهی از کوچک تا بزرگ در محدوده همین اقدام قرار می‌گیرد که به نحوی ارتش در ان نقش داشته است .(به نقل از جان فوران ، تاریخ تحولات اجتماعی ایران ص ۳۳۳)

- ارتش و دیوان سalarی اداری و حکومت، سه ستون نهادین نظام را تشکیل می دادند.

ارتش از حالت اولیه فوج چند هزار نفره قزاق در دهه ۱۳۰۰ به ۱۲۶۰۰۰ مرد مسلح دائم تبدیل شد و

در سال ۱۳۲۰ امکان بسیج تا ۴۰۰ هزار نفر نیز وجود داشت و این تعداد برای کشوری که جمعیت فعال

اقتصادی اش از ۵ میلیون مرد تجاوز نمی کرد، بسیار زیاد بود.

خدمت نظام وظیفه اجباری دو ساله مردان جوان کشور برای همه مردان کشور، ایجاد چنین نیروی را

آسان می ساخت. ارقام رسمی بودجه نشان می دهد که به طور متوسط $\frac{۳۳}{۵}$ در صد کل درآمد دولت در

فاصله سال های ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ صرف ارتش شد. به علاوه بخش بزرگی از درآمد نفت (که در بودجه ذکر

نمی شد) صرف خرید تجهیزات گرانقیمت تسليحاتی و ایجاد صنایع کوچک مهمات سازی در تهران و

شهرهای دیگر شد.

امیران بلند پایه ارتش، پستهای کابینه و مقام‌های کلیدی دستگاه‌های دولتی را پر می‌کردند، با اندوختن ثروت‌های کلان، اعضای پر نفوذ طبقه حاکم می‌شدند و غالباً "املاکی نیز به دست می‌آورند. بطوری که رضا شاه از این دستگاه عظیم نظامی برای در هم شکستن جنبش‌های اجتماعی داخلی و جبهه مخالف دولت در دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ استفاده کرد، اما همین ارتش قدر قدرت در برابر نیروهای قدرتمند خارجی که در ۱۳۲۰ ایران را اشغال کردند زبون ماند. (جان فوران ص ۳۳۴).

استقرار رژیم نظامی یکه تاز و پدر سلطانی برآیند نزدیک به دو دهه حکمرانی رضاشاه در بازه زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ بود. رژیم سیاسی ای که در آن دستیابی به قدرت، اعمال قدرت و تضمین تداوم قدرت در آن مبتنی بر زور بود. این رژیم علاوه بر توقف روند استقرار نظم سیاسی متکره و تشویح مشارکت محور برآمده از انقلاب مشروطه بلکه با تبدیل رژیم مشروطه پارلمانی به رژیم نظامی و یکه تاز و پدر سلطانی، اساس قدرت در ایران را بر پایه زور و اراده شخصی حکمران نظامی یعنی شاه قرار داد. با تبدیل رژیم مشروطه به رژیم نظامی، نمادهایی چون مطبوعات مستقل، انجمن‌های سیاسی، احزاب و گروه‌های سیاسی و مذهبی، شخصیت‌های ملی و مذهبی مستقل، نمادهای دینی و میهنه‌ی سرکوب و نهادهایی چون کابینه و مجلس تبدیل به نهادهای مطیع و تشریفاتی و از درون تھی شده بودند.

نمادها و جلوه های دین داری و قانون مداری در محافل و هرگونه زمینه بالفعل و چالش زا و چالش آفرین حکمرانی رضاشاه و زمینه های بالقوه تهدید کننده حکمرانی بازماندگان رضاشاه مورد سرکوب بیر رحمانه قرار گرفت.

هرچند که در نتیجه استقرار ثبات سیاسی، امکان دستیابی به نوعی کارآمدی در ذیل برنامه هایی چون ایجاد کارخانه های صنعتی، توسعه راه ها، ایجاد راه آهن سراسری، گسترش نظام آموزش و نخستین آموزش عالی و ایجاد دانشگاه فراهم شده است.

مواجهه با جنگ جهانی دوم

سلسله اقداماتی که در تاریخ نگاری عصر پهلوی و غربگرایانه از آن با عنوان برنامه نوسازی یاد می شود. برنامه نوسازی ای که ماحصل پیوند رژیم نظامی با دو گفتمان ترقی و تجدد و گفتمان ناسیونالیسم باستان گرایانه پادشاه محور و تبدیل آن به رژیم نظامی یکه تاز و پدر سلطانی که هیچ پایانی را برای خود و یازماندگانش تصور نمی کند.

- برخی مصادیق شخصی شدن حکومت

- ۱- سرکوب ایلات و عشایر
- ۲- پاره کردن یکطرفه قرارداد نفت و تمدید آن به مدت ۸ سال دیگر
- ۳- کشف حجاب و به توب بستن حرم امام رضا
- ۴- ازدواج پسرش محمد رضا و تغییر قانون اساسی
- ۵- پیمان سعدآباد
- ۶- میل شخصی و عطش سیری ناپذیر به زمین، ثروت اندوزی و تبدیل شدن به یکی از بزرگترین مالکان از طریق کاربرد زور و قوه قهریه
- ۷- حکومت پلیسی و ترس و وحشت / پلیس آگاهی و ارعاب و تهدید و شکنجه و قتل
- ۸- از درون نهی کردن برخی نهادهای حاکمیتی و شخصی شدن آنها مثل مجلس = دخالت شخصی و مستقیم رضا شاه / ثبت املاک و اسناد / دستگاه قضایی و آموزش و پرورش
- ۹- نوع مواجهه رژیم با همراهان کودتا و یاران مشاوران غیر نظامی / سوء ظن و بدگمانی مفرط تیمور تا داور، تدین، تقی زاده، سردار اسعد بختیاری

- آزمون مواجه قدرت مبتنی بر زور و شخص محور با یک تکانه تاریخی یعنی مواجهه با جنگ جهانی دوم:

۱- اعلان بی طرفی ایران ← به عنوان یک واکنش رسمی

۲- درک متقاوت از مواضع رسمی توسط شخص رضا شاه در تحلیل جنگ جهانی دوم، میل درونی رضا شاه به همراهی با آلمان‌ها

۳- فراهم نمودن شرایط فعالیت آلمان‌ها در ایران به عنوان یک طرف جنگ جهانی و آزادی عمل آلمانی‌ها در حوزه‌های مختلف

مثل نفت، تحریک ایلات و عشاير علیه منافع انگلیسی‌ها و شوروی‌ها، آزاد بودن فعالیت جاسوسان آلمانی

۴- منتفع شدن آلمان‌ها از اعلان بی طرفی ایران، در مقابل انگلیسی‌ها و روس‌ها یک فرصت مناسب و سریع و کم خطر را برای تقویت جبهه جنگ در میدان نبرد، در نبرد مستقیم شوروی‌ها با آلمان‌ها از دست می‌دادند

۵- فقدان یک عقلانیت سیاسی مبتنی بر خرد جمیعی در مواجه با جنگ جهانی دوم، با خلاء وجود نهادها و ارگانها، سازمان و شخصیت‌های تصمیم ساز برخوردار از عقلانیت در تشخیص درست منافع و مصالح ملی، از درون تهی بودن مجلس، از درون تهی بودن سازمان حکومتی و مراکز تصمیم ساز اعم از دولت و دستگاه دیپلماسی و، نبود ارگانها، نهادها و سازمان‌های مستقل از ساختار قدرت، فقدان وجود رسانه‌ها، احزاب، مطبوعات و ... برای انتقال حساسیت مردم و تحریک افکار عمومی بعنوان یک سد مستحکم در دفاع از تمامیت ارضی و مانع برای اشغال ایران، فقدان وجود رجال سیاسی شجاع و مستقل و صاحب فکر و اندیشه، فقدان شکل گیری یک سازمان نظامی دارای عقلانیت در مواجهه با بحران‌ها و منفصل از تمایلات شخصی شاه و متصل به عموم مردم و برخوردار از روح فداکاری و وطن پرستی، بخصوص در فرماندهان متصل به شاه

۶- تکانه‌های سیاسی ناشی از جنگ جهانی دوم

الف/ اشغال نظامی ایران و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران

ب/ نقض حاکمیت سیاسی ایران توسط قوای اشغالگر و دخالت در امور داخلی ایران

ج/ فروپاشی ساختار فدرات از استعفا رضا شاه از سلطنت تا از کار افتادن سازمان حکومتی و شبکه اجرایی کشور در ارائه خدمات عمومی

د/ فروپاشی سازمان نظامی و امنیتی: از فقدان توانایی دفاع از مرزهای کشور و پذیرش اشغال تا فقدان توانایی در ایجاد نظم و امنیت در اقسا نقاط کشور تا فقدان توانایی حفظ و انسجام شبکه سازمانی، تشکیلات نظامی و امنیتی کشور

۵/ توقف در استمرار ثبات سیاسی، و شروع بی ثباتی سیاسی فraigir و استمرار آن

و/ ناکارامدی دولت‌ها و بروز تنگناهای مالی، معیشتی، شغلی، بهداشتی و انواع کمبودها در فضای عمومی جامعه و بروز انواع تهدیدها برای مردم

جان فوران می نویسد ”سقوط ناگهانی رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ در وهله نخست بر اثر فشار مقاومت ناپذیر نظام جهانی بر وی و در مرحله بعد حاصل تضادهای ناشی از سبک حکومت خودکامه وی بود.

هر چند که ایران در سال ۱۳۱۸ وقتی که جنگ جهانی درگرفت اعلام بی طرفی کرد ولی میل رضا شاه به آلمان ها و وابستگی ایران به داد و ستد با آلمان و بخصوص با انتصاب علی منصور ، از طرفداران آلمان به نخست وزیری ایران در خرداد ۱۳۱۹ بر نفوذ آلمان افزوده شد و عناصر طرفدار آلمان در ارتش ایران به نحو قابل توجهی افزایش یافت. این روند شرایطی را در پی داشت که متفقین در ۳ شهریور ۱۳۲۰ ایران را در معرض تهاجم قرار دادند. ارتش ایران مقاومتی نشان نداد و به سرعت شکست خورد. به فاصله یکی دو روز جنگ ایران با متفقین پایان یافت و در روز ۱۰ شهریور ایران کاملاً“ از هم پاشید.

روز ۱۶ شهریور ارتش های متفقین به سوی تهران پیش روی کردند و از ایران خواستند هر چه سریعتر نفرات محور (آلمان و متحдан جنگی اش) را اخراج کند. روز بعد مجلس به بررسی لایحه ای پرداخت که رضا شاه را از فرماندهی کل قوا عزل کرد. این اقدام مشروعیت او را شدیدا خدشه دار کرد. سر انجام متفقین تصمیم به کنار زدن رضا شاه از سلطنت گرفتند. روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور مراسم انتقال قدرت صورت گرفت. قوای روس و انگلیس در ۲۶ شهریور به تهران وارد شدند و رضا شاه از تهران عازم تبعیدگاه خویش گردید و سلطنت او به پایان غم انگیز خود رسید.

ورود متفقین، مهر تاییدی بر وابستگی مداوم ایران در عصر رضا شاه زد. تمدید قرارداد نفت به مدت ۲۸

سال دیگر بهترین نشانه این وابستگی بود. رضا شاه که موقعیتش در داخل کشور مسحکم به نظر می

رسید با مداخله خارجی سرنگون گردید. او در معادله جنگ جهانی دوم دچار اشتباه محاسبه شد اینها

سقوط وی را گریز ناپذیر ساختند. بر این همه باید سبک حکومت خود کامه‌ای را نیز افزود که

مشاورانش جرات مخالفت با نظرات وی را نداشتند و نمی توانستند اطلاعات حساس را در اختیار وی قرار

دهند.

رضا شاه در آخرین دیداری که با کابینه اش داشت به آنان گفت در رابطه با برنامه ها و اندیشه هایم، راز موقیتم آن بود که هرگز با کسی مشورت نکردم. این دلیل سقوط وی در سال ۱۳۲۰ نیز بود. شاید رضاشاه می توانست بر قدرت باقی بماند به شرط اینکه از حداقل پایگاه اجتماعی یا مشروعيت و مقبولیت در داخل کشور برخوردار باشد و چون چنین نبود تضاد های نظام جهانی که زمینه ساز به قدرت رسیدنش را در ۱۲۹۹ تا-۴ ۱۳۰ فراهم ساخته بود زمینه های سقوط ۱۳۲۰ او را نیز تدارک دید.

برآمدن و برافتادن حکمرانی رضاشاه چنانچه منظم به زمینه های در پیش گفته شده نمی بود. استقرار یک نظام سیاسی با ثبات و برقراری پایداری سیاسی و ایجاد امکان کارآمدی و در پی آن سردارای بودن شرعیت و بدست آوردن مقبولیت و حمایت عمومی از درون و برون رفت از وضعیت ایران منتهی به ۱۳۰۰ می توانست زمینه ساز ظهور یک کارگزار حکمرانی با ماندگاری تاریخی و تبدیل شدن به یک فرمان تاریخی ایران معاصر نبود و رضاشاه فاقد ویژگی های انضمامی تبدیل شدن به چنین کارگزای ماندگار بود، چنانچه امیرکبیر در فرصت کوتاه حکمرانی خود به چهره ای ماندگار و تاریخی در ایران معاصر تبدیل شد.

نسبت بین ساختار قدرت و وجه اجبار ایران ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

الف / فروپاشی رژیم نظامی و یکه تاز و سرکوب گر و فراهم شدن زمینه شکل گیری یک رژیم سیاسی غیر نظامی، متفاوت، شبه پارلمانی، متنوع و متکثر

ب / اجزا ساختار قدرت رژیم سیاسی شبه پارلمانی

۱- دربار

۲- کابینه

۳- مجلس

۴- مردم (احزاب و گروههای سیاسی و مطبوعات، انجمن‌ها)

متشكل از رجال سیاسی بجای مانده از اوآخر دوران رضا شاه به همراه خاندان سلطنتی در راس آن محمد رضاشاه جوان:

۱- شاه جوان ۲۲ ساله و بدون هیچ تجربه حکومتی و با کمترین آمادگی برای قرار گرفتن در چنین جایگاهی. شاه جوانی که یک سویه آن عیاشی و خوشگذرانی و سوی دیگر تربیت در یکی از آکادمی‌های مدرن اروپایی و آشنا به دموکراسی و جمهوری و سویه دیگر قرار داشتن در سایه پدری خشن حتی در روابط پدر و فرزندی و تصویری از یک سلطان حودکامه و مستبد و درباری،.... خوبی گرفته از چنین مناسبات و رها شده از خودکامگی رضا شاه که بعدها تبدیل به یک دربار پررمز و راز با نقش آفرینانی چون محمد رضا، تاج الملوك، اشرف، شمس، زاهدی، شریف امامی، علم، منصور، هژیر، شاپور ریپورتریجی، فردوست، هویدا و ... و حلقه اطراف شاه/ یک همسویی بین دربار و انگلستان و شبکه نفوذ انگلستان وجود دارد.

۲- شاه جوان محروم از حمایت پدر قدرتمند در مقابل سربرآوردن رجال سیاسی قدرتمند و ناراضی از پهلوی‌ها

۳- شاه بر تخت نشسته ای که استمرار سلطنت پهلوی و جلوس بر تخت شاهی را بیش از آنکه مرهون درایت و تدبیر خود یا حمایت مردم خود باشد، مرهون قدرت‌های بزرگ و اشغال گر سرزمینش و به زیرکشانده شاهی پدرش است.

۴- شاه برآمده از شرایطی که همه تکیه گاه‌های حکومتی اش اعم از ارتش، پلیس، سازمان حکومتی و دیوانی، مجلس، دربار و خاندان سلطنتی در هرج و مرج و کم فروغی هستند.

۵- و بالاخره شاه بر تخت نشسته ای که وارث حکومتی شده گه دارای مدعیانی قدرتمند، و بر مردمی باید شاهی کند که پدرش را منفورترین چهره و دهشتناکترین چهره عصر خود دانسته که از حکومت سرکوبگر، پلیسی و متجاوز به حقوق مردم خلاصی یافته اند.

- ۱- متشکل از نخست وزیر و وزرایی در کش و قوس، نزدیکی و همسویی با دربار یا مجلس و روس، انگلیس و آمریکا
- ۲- متشکل از رجال سیاسی مستقل تا رجال سیاسی عصر رضاخانی تا رجال تازه ورود یافته به مناسبات قدرت
- ۳- کابینه‌هایی ناتوان در حفظ انسجام و همبستگی و ناکارآمد در عبور از بحران‌ها
- ۴- کابینه‌ای با عمر گذرا و کوتاه و ناموفق در ایجاد ثبات سیاسی پایدار و حرکت در مسیر کارامدی
- ۵- کابینه‌هایی با رویکرد مبارزه طلبی یا در مقابل، شاه یا مجلس و یا قدرت‌های خارجی: کابینه قوام، کابینه رزم آرا، کابینه مصدق

الف/ مجلس از یک طرف نمادی از امکان احیاء و استقرار مشروطه خواهی و از طرف دیگر گامی است در جهت استقرار یک نظام دموکراتیک در ایران ، که گامی است در جهت تحولات جهانی که از ویژگی های نظام های سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم گذار به دموکراسی است، بنابراین با برجسته شدن نقش آفرینی مجلس حرکت برای گذار به دموکراسی محتمل شد.

ب/ در چنین شرایطی است که قانون به عنوان عنصر همبستگی بخش (قانون اساسی) و مشارکت مردم در رقابت های انتخاباتی ، جلوه هایی از دموکراسی خواهی ایرانیان محقق می شود.

ج/ مجلس در این مقطع زمانی جلوه هایی از استقلال خواهی و حرکت در جهت منافع ملی و مصلحت عمومی مستقل از عوامل داخلی بازدارنده را ایفا کند. قانون منع مزاکره نفتی دولت ها و قانون ملی کردن صنعت نفت و خلع ید شرکت نفت انگلیس و ...

د/ مجلس تبدیل به یک جزء تاثیرگذار در ساختار مناسبات قدرت در ایران می شود که توجه بسیاری از بازیگران سیاسی را به خود جلب می کند. از رجال سیاسی به جای مانده از عصر قاجاری تا رجال سیاسی عصر رضاشاه ، رجال سیاسی جوان و محالف پهلوی در فضای جدید سیاسی ، رهبران ایلات و عشایر که در عصر رضاشاه مورد هجوم واقع شدند ، خانها و زمین داران بزرگ ، عقبه نفوذی روسها و انگلیسی و آمریکاییها در ایران ، نخبگان و احزاب و انجمن های فعال در عرصه سیاسی این مقطع زمانی ، طرفداران شاه و دربار و دولت های مستقر،

۵/ شکل گیری مجلس چند پاره و رنگارنگ که امکان تصمیم سازی و قانون گذاری در آن دشوار و شکننده می شود

الف/ سقوط رضا خان و خلاصی از محدودیت‌های حکومت رضاخانی، اشغال ایران، و ورود احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مخالف و متقد به عرصه فعالیت‌های سیاسی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات و نشریات آزاد و متقد و متنوع امکان ظهور و بروزهای سیاسی را میسر و زمینه‌های کنش و وامنش‌های سیاسی کردمی را تأثیر ظهور و بروزهای سیاسی مردم به مناسبات قدرت فراهم می‌شود.

ب/ کنش و واکنش سیاسی مردم در قالب‌هایی چون شرکت در رقابت‌های انتخاباتی، حضور و تجمع در فراغوهای سیاسی، پیوستن به احزاب و گروه‌ها و انجمن‌های سیاسی، دینی، صنفی و مدنی و شرکت در میتینگ‌های انتخاباتی و غیر انتخاباتی این گروه‌ها

ج / شکل گیری ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مختلف و بعضاً متعارض در نتیجه اهمیت یافتن نقش و جایگاه مردم در مناسبات قدرت از گفتمان‌های مشروطه خواهی تا گفتمان ملی گرایی، سوسیالیستی و مذهبی و بازگشت مجدد قانون اساسی به عنوان جزء محوری از هر کدام از این گفتمان‌ها

د / تلاش‌های سازمان یافته دربار، کابینه و نمایندگان مجلس تا رجال سیاسی و نخبگان روشنفکری بر تاثیر گذاری و کنترل بر افکار عمومی . علاوه بر اینکه در ایام های انتخاباتی صورت می گرفت بلکه با ایجاد اجزایی مشکل و سازمان یافته چون جبهه ملی، حزب دموکرات، حزب توده جلوه هایی از اهمیت مردم در مناسبات ساختار قدرت ایران این مقطع زمانی است.

تحلیل ساختار قدرت ۲۰-۳۲ مطابق جایگاه وجہ اجبار

- ۱- دشوار شدن ورود وجہ اجبار به مناسبات ساختار قدرت تحت تاثیر عواملی چون شکل گیری بارقه های بازگشت به وضعیت مشروطیت پارلمانی، تنفر و دوری جستن از نتیجه دخالت وجہ اجبار و شریک شدن آن با دیکتاتوری رضاخانی، عدم اجرای وظیفه دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در مواجهه با اشغال ایران، خیانت در حفظ انسجام و یکپارچگی وجہ اجبار در مواجهه با اشغال نظامی و ترك پادگان ها و رخت بر بستن امنیت داخلی
- ۲- بی ثباتی سیاسی و عدم شکل گیری شرایط مناسب ثبات و پایداری سیاسی
- ۳- ممتنع شدن کارامدی در شرایط ناپایداری سیاسی و بی ثباتی

عوامل داخلی و خارجی بازدارنده ثبات و پایداری سیاسی

۱- موانع داخلی بازدارندگی ثبات سیاسی

الف/ شکل گیری گفتمان های متضاد و متعارض، ملی گرایی، مارکسیستی دینی و خردہ گفتمان های غرب گرایی، ناسیونالیسم حاد ایرانی و ...

ب/ عدم وجود یک عنصر همبستگی بخش که مورد توافق و اجماع گفتمان های فعالان سیاسی، اجزاء قدرت و فضای عمومی جامعه باشد.

ج/ نا رسانی های اقتصادی و اجتماعی ناشی از اشغال از یک طرف و فروپاشی نظم سیاسی قدیم از طرف دیگر
د/ واگرایی های سیاسی اعم از شکاف پیرامون و مرکز، از شورش های محلی گرفته جنبش های خود مختاری آذربایجان و کردستان، تا تجمعات خیابانی برخی احزاب و گروه ها مثل حزب توده

۲- موانع خارجی بازدارندگی ثبات سیاسی

الف/ اشغال نظامی ایران از نقض حاکمیت ملی و سرزمینی ایران تا دخالت در امور داخلی ایران تا ایجاد دشواری و سختی در تامین معیشت و سلامت مردم و متوقف شدن روند رشد و تولید اجتماعی و اقتصادی و مداخله مستقیم در نهاد های حکومتی و حاکمیتی.

ب/ ورود پیدا کردن ایران به منازعات استراتژیکی ، امنیتی و اقتصادی قدرت های فاتح جنگ جهانی دوم، انگلستان، روسیه و شوروی

ج/ نظام بین المللی جدید و قرار گرفتن ایران در متن رقابت بازیگران جدید نظام بین المللی یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جمایر شوروی سوسیالیستی

د/ هدف قرار گرفتن ساختار قدرت ایران به عنوان بستری برای زمینه سازی بسط نفوذ قدرت های مداخله گر انگلستان، شوروی و آمریکا (اعم از دربار، کابینه، مجلس و مردم)

۵/ معنایابی بخشی از اهداف استراتژیکی و اقتصادی قدرت های مداخله کر در زمین ایران شامل:

۱- انگلستان / استمر تر بخشیدن نفوذ سیاسی گذشته خود و بسط آن در هر یک از اجزاء چهارگانه اعم از دربار، کابینه، مجلس و مردم، برای استمرار یافتن تسلط انحصاری خود بر نفت ایران

۲- شوروی / بهره گرفتن از حضور قوای نظامی خود در ایران در جهت ایجاد پایگاه نفوذ اقتصادی در ایران بخصوص رقابت با نفوذ انحصاری انگلستان ، در مساله نفت با طرح امتیاز نفت شمال از طریق مزاکره و فشار بر اجزاء ساختار قدرت ایران، امکان ایجاد زمینه های نفوذ سیاسی و ایدئولوژی در ایران در چارچوب شرایط جدید نظام بین الملل و شوروی به عنوان یک ضلع قدرت نظام بین الملل در رقابت بین المللی خود و تلقی ایران به عنوان یک همسایه و حوزه امنیتی در شرایط جدید رقابتی

۳- آمریکا : قرار گرفتن ایران در استراتژی سیاست خارجی آمریکا در شرایط بعد از جنگ جهانی دوم و سربرآوردن آمریکا به عنوان یک ابر قدرت جهانی، قرار گرفتن ایران به عنوان خط مقدم دو قطبی شدن نظام بین الملل، قرار گرفتن ایران در متن اهداف پیمان های اقتصادی، نظامی و امنیتی آمریکا، همراهی با انگلستان برای تداوم و تضمین منافع این متحد قدیمی با ورود پیدا کردن به چالش نفتی ایران و انگلستان و انجام کودتای ۱۳۳۲ با ورود دادن وجه اجبار به مناسبات قدرت در ایران و شکل دهی چرخه جدید قدرت در ایران

ارزیابی ساختار قدرت ۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲ :

هر چند که با سقوط رضا شاه وجه اجبار در حاشیه مناسبات قدرت قرار گرفت و امید به استقرار رژیم پارلمانی مشروطه، جریان غالب مناسبات سیاسی این دهه شدو فراز و فرود هایی داشته ولی به تدریج و در پی برخی وقایع مثل قائله جمهوری خود مختار آذربایجان، انتصاب رزم آرا به نخست وزیری وجه اجبار در متن مناسبات سیاسی ایران قرار گرفت و با کودتای ۱۳۳۲ وجه اجبار به عنوان یک رکن تعین کننده در مرکزیت ساختار قدرت در ایران ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ قرار گرفت. لذا چراغ کم فروغ رژیم پارلمانی جای خود را به یک رژیم نظامی داد که تضمین استمرار سیاسی و ثبات سیاسی برپایه آن استوار است.

کودتای ۱۳۳۲ آغاز دوباره پادشاهی بازمانده رضا شاه، محمد رضا، در سایه وجہ اجبار و حکمرانی بر ایران، برپایه ارتش را در پی گرفت و این روند تا انقراض سلسله پهلوی استمرار یافت و این فرضیه را اثبات کرد که بقاء و استمرار رژیم سیاسی پهلوی‌ها تنها در سایه زور و اجبار امکان پذیر است و هیچ مدل دیگر و رژیم متفاوتی در حکمرانی این خاندان متصور نیست حتی تمدن بزرگ و مدرن محمد رضا شاهی هم تصوری دیگر را محال نمود.

هر چند که مناسبات متنوع و متنازع قدرت در ایران دهه بیست با کودتای ۳۲ یکپارچه و یک دست و مرکز شد و این مرکز قدرت بر پایه زور شکل گرفت، اما تحلیل ساختار قدرت ایران از ۱۳۳۲ به بعد را بایستی در ذیل چند متغیر مهم، وجه اجبار، شاه و آمریکا تحلیل کرد. آمریکا یک وجه تعین کننده در مناسبات قدرت در ایران ۱۱۳۲ به بعد است که سایر متغیر های وجه اجبار و شاه را تحت تاثیر خودش قرار میدهد. لذا در ادامه تحلیل ساختار قدرت از دریچه وجه اجبار ایران این بازه زمانی را در چارچوب پنج دکترین تبیین می کنیم

- ۱- دکترین تروم
- ۲- دکترین آیزنهاور
- ۳- دکترین کندی
- ۴- دکترین نیکسون
- ۵- دکترین کارت

۱- استراتژی تروم من تحت تاثیر رقابت بین دو ابر قدرت بعد از جنگ جهانی اول یعنی آمریکا و شوروی شکل گرفت و بر اساس دکترین تروم من در فضای جنگ سرد حفظ رژیم های اقماری ایالات متحده آمریکا با تقویت اقتصادی و نظامی در الوبیت سیاست خارجی آمریکا است در چارچوب این استراتژی پشتیبانی های مالی به منظور اصلاح ساختار اقتصادی و ساختار نظامی با اعزام مشاوران نظامی و مالی و پشتیبانی مالی از طریق حمایت های مالی، ارسال تجهیزات نظامی و اصلاح تشکیلات مالی و نظامی صورت می پذیرفت. کمک های مالی در چارچوب اصل ۴ تروم من صورت پذیرفت و قراردادهای پشتیبانی مالی و اعزام مشاوران مالی و نظامی صورت پذیرفت.

۲- دکتر آیزناور: در چارچوب این دکترین حفظ رژیم های اعماری و جلوگیری از نفوذ کمونیسم اهمیت مضاعفی پیدا کرد، کمونیسم به منزله خطری تلقی می شود که بسط آن می تواند تهدید کننده منافع آمریکا و کشور های اعماری آمریکا باشد بنابرین لازم است کشور های خط مقدم نفوذ تقویت شوند و این قابلیت را پیدا کنند در صورت مواجهه با خطر کمونیسم برخورد مناسب را انجام دهند. در این دکترین، ارتش تضمین کننده بقاء سیاسی رژیم ها و بازدارنده نفوذ کمونیسم تلقی می شود.

در چارچوب این استراتژی است که کودتای ۱۳۳۲ رخ داد. و ارتش وارد مناسبات قدرت در ایران می شود، وارد دادن ارتش به مناسبات قدرت، تجهیز ارتش با تسليحات نظامی متناسب، تداوم اصلاح ساختار ارتش و پشتیبانی مالی و کارشناسی، ایجاد سواک و ماموریت کسب اطلاعات و اخبار و جاسوسی مخالفان و رصد فعل و انفعالات در سوروی، شرکت در ائتلاف های منطقه ای سنتو و سیتو (کشور های عراق، افغانستان، ترکیه و پاکستان) و پیمان نظامی آمریکا، ایجاد کمربند نظامی و امنیتی، به طور کلی تقویت رژیم سیاسی، جهت گیری اصلی دکترین آیزناور در مناسبات قدرت در ایران است که وجه اجبار یکی از اركان تقویت و استمرار و بقاء رژیم است.

وجه اجباری دارای دو ماموریت حفظ رژیم و مقاومت در مقابل اولین ضربه دشمن است.

ساواک: تاسیس در سال ۱۳۳۶ زیر نظر کارشناسان اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و بعد از اسرائیل و آمریکا
ماموریت :

۱- حفظ رژیم

۲- کسب خبراز دشمن کمونیستی

۳- انتقال مرکزیت جاسوسی آمریکا در منطقه از قبرس به ایران

ساواک دارای کارکردن اطلاعاتی، امنیتی و ضابط قضایی به خود می گیرد

تیمور بختیار اولین رئیس ساواک / کشف شبکه افسران نظامی حزب توده در ارتش / شناسایی، دستگیری و محاکمه و اجرای احکام نظامی در مورد مخالفان از فعالیت های اولیه ساواک در جهت تقویت رژیم شاه بود درکنار کسب خبراز شورروی در این دکترین، مقابله با نفوذ کمونیسم و حفظ رژیم های اغماری دارای اولویت است حتی نسبت به دموکراسی و لیبرالیسم و توسعه دموکراتیک - ثبات قدرت شاه در مقابل مخالفان دستاورد های استراتژی آیزنهاور است.

۱- استراتژی های ترومی و آیزنهاور نتوانست بازدارندگی های لازم را در مقابل نفوذ کمونیسم ایجاد کند و کمونیسم توانست در برخی از کشور های اغماری آمریکا انقلاب های مردمی را به راه بیاندازد و به پیروزی هایی هم دست یابد، جنبش های انقلابی در آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا

۲- بازنگری در دکترین آیزنهاور، و در پیش گرفتن استراتژی توانمند سازی در وجه نظامی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی با این برداشت که ثبت موقعيت محمد رضا شاه در ایران شکننده است و در مقابل موج تحول خواهی و تغییر دارای ظرفیت درونی مقابله نیست.

۳- توانمند سازی کیفی و ماهوی شاکله این استراتژی است. با ارتقاء کیفی نیروی نظامی و امنیتی از طریق آموزش های نوین و مدرن و آشنایی با سبک و سیاق فعالیت و مبارزه مخالفان در بعد نظامی و انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی و ... (طرح ... یا انقلاب شاه و ملت در ایران). ایجاد ظرفیت سرکوب بخصوص با آموزش های مدرن به ساواک و ظرفیت بازدارندگی برای انقلاب و ظرفیت حمایت درونی از رژیم با انجام اصلاحات، ایجاد دفتر ویژه اطلاعات به ریاست فردوست و گارد مخصوص (کلاه سبز ها) که دستگاه های نظامی و اطلاعاتی و امنیتی را کنترل می کرد، بسیاری از منتقدان روشنفکر اعم از مارکسیست ها تا غرب گرا ها و حتی برخی ملی گرا ها و مذهبیون تا شناسایی و سرکوب و زندانی کردن مخالفان از دستاوردهای این بازه زمانی است.

۴- دکترین نیکسون

شاکله اصلی دکترین نیکسون بر پی ریزی یک نظام جهانی ... که در آن ایالات متحده به عنوان قدرت محوری به ایجاد کارگران منطقه ای نیرومند کنک کند به گونه ای که قادر باشند در مناطق خودشان منافع آمریکا را حفظ کنند. هدف این دکترین از تحریر آمریکا در هند و چین ناشی می شد. که قادر باشند در مناطق خودشان منافع آمریکا را حفظ کنند. در چارچوب این استراتژی است که نیکسون رئیس جمهور آمریکا در ۱۹۷۲/۱۳۵۱ به شاه اطمینان داد که ایالات متحده به جز سلاح هسته ای، کلیه سلاح های مورد درخواست ایران را به این کشور خواهد فروخت.

قدرت مالی سیاسی وسیع‌گشایی ایران بر مبنای نفت و تمایل واشنگتن به اجرای دکترین نیکسون، رژیم ایران را تبدیل به رژیم نیابتی و ژاندارم منطقه کرده است روایی تمدن بزرگ در سایه تبدیل ایران به رژیم نیابتی و ژاندارم منطقه‌ای شکل گرفت، حرص سیری ناپذیر شاه در خرید تجهیزات نظامی در کنار سرازیر شدن سیل درآمدهای نفتی به ایران و روایی هم ترازی با کوروش و داریوش ویژگی پادشاهی محمد رضا در دهه پنجاه است. که وجه بر جسته آن نظامی گری است.

اعزام ۳۰۰۰ نفر از نیروهای ایرانی به عمان در سال ۱۳۵۱، ارائه کمک نظامی به دولت ذوالفقار علی بوتو در پاکستان از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ علیه جنبش‌های مقاومت بلوچ‌ها و پشتون‌ها، کمک به دولت محمد زیاد باره در سومالی، اعزام هواپیماهای جنگنده F5 در جنگ‌های ویتنام و ... نمادی از تبدیل ایران به یک کارگزار منطقه‌ای (تاریخ کلبریج ص ۲۱۵) است. شاه با انجام هزینه‌های هنگفت امید داشت که تا پایان دهه ۱۹۸۰ ایران را به پنجمین قدرت نظامی غیر اتمی جهان تبدیل کند و ایالات متحده تامین کننده اصلی تجهیزات این ارتش قدرتمند بود.

شاه تصمیم داشت ارتش را تا سال ۱۳۶۱ مجهز به سلاح های زیر نماید:

تانک :

- ✓ ۱۵۰۰ فروند «شیر ایران» ساخت انگلستان
- ✓ ۸۰۰ فروند «چیفن» ساخت انگلیس
- ✓ ۶۰۶ فروند «M-60» آمریکایی
- ✓ ۴۰۰ فروند «M-47» آمریکایی
- ✓ ۱۰۰۰ فروند نفربر زرهی آمریکایی

توپخانه :

گردان های توپخانه به اندازه آتش همسان ناتو

نیرو های هوایی:

- ✓ ۷۸ فروند «F-14» مجهز به موشک فونیکس
- ✓ ۲۵۰ فروند فانتوم
- ✓ ۱۰۰ فروند «F-15»
- ✓ ۱۰۶ فروند «F-16»
- ✓ ۲۴ فروند هوایپیمایی نفت کش بوئینگ مدل ۷۰۷ و ۷۴۷ برای سوختگیری
- ✓ ۷ فروند رادار پرنده (آواکس)
- ✓ ۵۷ فروند «C-130» هرکولس بادی

موشک های دفاعی :

- ✓ تعداد قابل ملاحظه ای ضد هوایی سام ۷۰ شوروی و مارویک آمریکایی
- ✓ ۱۰۰ تانک تاو
- ✓ سکو های پرتاب موشک دراگون آمریکایی

نیروی دریایی:

- ✓ ۴ فروند «رزم نا» ۸۰۰۰ تنی با موشک های استاندارد دریا به هوا و موشک های دریا «هارپون»
- ✓ ۱۲ فروند ناو شکن
- ✓ ۱۲ فروند کومباتان
- ✓ ۳ زیر دریایی آمریکایی
- ✓ ۹ زیر دریایی آلمانی
- ✓ ۵۰ فروند های کوپتر دریایی
- ✓ ناوگانی از کشتی های های نفر بر و پشتیبانی

واشنگتن پست ۲۵ فوریه ۱۹۷۳ نوشت ایران در فاصله سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۱ (۱۳۴۴-۱۳۵۰) از آمریکا به شرح زیر اسلحه خرید :

✓ ۱۹۶۵ : ۶۹ میلیون دلار

✓ ۱۹۶۶ : ۱۲۴ میلیون دلار

✓ ۱۹۶۷ : ۱۴۸ میلیون دلار

✓ ۱۹۶۸ : ۶۹ میلیون دلار

✓ ۱۹۷۰ : ۲۳۶ میلیون دلار

✓ ۱۹۷۱ : ۱۱۳ میلیون دلار

- اما بعد از ورود نیکسون به ایران مقدار اسلحه ای که در فاصله سال های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۷ از آمریکا به ایران آمد در سطحی بود که هرگز در تاریخ سیاسی بین المللی سابقه نداشته است، تنها بین این سال ها میزان فروش نظامی آمریکا به ایران ۶.۲ میلیارد دلار بود.

بودجه نظامی ایران در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) ۱.۴ میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) به ۹.۴ میلیارد دلار افزایش یافت یعنی افزایشی برابر ۶۸۰ درصد در سال ۱۹۷۷ و بدین ترتیب بودجه نظامی، تسليحات و امنیتی ایران برابر با ۴ درصد بودجه کل کشور (روح ا... حسینیان ص ۲۰۴)

- توسعه نظامی و تسليحاتی ایران علاوه براینکه تمرکز قدرت بر وجه اجبار را در پی داشت،
وابستگی

نظامی و تسليحاتی و سرازیر شدن انبوه مستشاران نظامی آمریکا به ایران و تکمیل چرخه
وابستگی ساختار قدرت را در پی داشت. یکی از جلوه های وابستگی ایران عصر محمد رضا شاه
وابستگی نظامی است. وابستگی نظامی در اشکال مختلف استراتژیکی، تسليحاتی، اموزشی و نیروی
انسانی را در پی دارد. اعزام ژنرال هایزر از جانب امریکاییان به ایران در اذر ۱۳۵۷ برای مدیریت
هدایت و سازماندهی ارتش در مواجه با اعتراضات نمونه ای از وابستگی و عدم باور به توانایی
است....

شکست سیاست های نظامی گرایانه نیکسون در هند و چین بخصوص شکست نظامی در ویتنام، گسترش یافتن انتقاد ها به ایالات متحده آمریکا در حمایت از رژیم های دیکتاتوری و سرکوب گر و ناقض حقوق بشر، با پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به تغییر عمدی جهت گیری سیاست خارجی آمریکا، بخصوص در مواجهه رژیم های اگماری آمریکا انجامید.

مرکز ثقل جهت گیری جدید سیاست خارجی آمریکا حقوق بشر بود گه دارای دو وجه فشار برای ایجاد فضای باز سیاسی و امتناع از کاربرد خشونت و شکنجه در مواجهه با مخالفان و ایجاد مانع و محدودیت در فروش تجهیزات نظامی بود.

رژیم سیاسی ایران با پادشاهی محمد رضا شاه یکی از شاخص‌های نمادین نقد سیاست خارجی آمریکا در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود. درواقع استراتژی کارتر در پی بازسازی وجهه آمریکا در سطح بین‌المللی و بهبود جایگاه آمریکا در سطح جهانی است.

هرچند که کارتر مانند سلف خود در شهریور ۱۳۵۶ از فروش سلاح به ایران دفاع کرد و در نامه‌ای نوشت که ارزیابی من این است که فروش آواکس به ایران موجب ثبات در توازن منطقه‌ای خاورمیانه خواهد شد، بنابراین با وجود مطرح شدن حقوق بشر و کاهش فشار بر مخالفان در چارچوب دکترین کارتر اما همچنان ویژگی بارز ساختار قدرت ایران تکیه بر وجه اجبار است و در مواجهه با اعتراضات عمومی سال‌های ۵۶ و ۵۷، قوه قهریه با اتخاذ سیاست سرکوب برای پایان بخشیدن به اعتراضات ورود پیدا می‌کند.

این استراتژی منجر به اتخاذ سیاست سرکوب در مواجهه با انقلاب حتی با انجام کودتای نظامی با توافق شاه و امریکا بود.

در چارچوب این فرایند و توالی زمانی پاسخ سوال نسبت بین وجه اجبار و ساختار قدرت ایران در عصر محمد رضا شاه تبیین و سوال نسبت بین وجه اجبار و انقلاب تشریح خواهد شد که ورود قوه قهریه به اعتراضات انقلابی منجر به شدت یافتن نارضایتی و گسترش یافتن ناراضیان و عمق یافتن نارضایتی شد.



✓ سرکوب اعتراضات مردم قم در ۱۹ دی ماه ۵۶



✓ سرکوب اعتراض مردم تبریز در بهمن ۵۶



✓ سرکوب تظاهرات شهر های تهران، اصفهان، یزد و ... در بهار ۵۷



✓ اعلان حکومت نظامی در برخی شهر ها



✓ سرکوب خونین تظاهرات در ۱۷ شهریور در تهران (جمعه سیاه)



✓ سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش آموزان در ۱۳ آبان ۵۷



✓ سرکوب تظاهرات ۱۴ آبان ۵۷ در تهران و تبدیل شدن تهران به میدان جنگ

- ✓ انتصاب ارتشد ازهاری به نخست وزیری و اعلان سراسری حکومت نظامی، ممنوعیت هرگونه تظاهرات و تجمع خیابانی، بکارگیری قوه قهریه برای پایان بخشیدن اعتصابات، از جمله اعتصاب کارگران شرکت نفت و ...
- ✓ تظاهرات تاسوعا و عاشورا آذر ماه ۵۷ و سقوط حکومت نظامی
- ✓ زمزمه خروج شاه از ایران و خروج شاه در ۲۶ دی ماه ۵۷ و انتصاب بختیار به عنوان نخست وزیر و امید به کودتا یا سرکوب مخالفان بوسیله ارتش هم از جانب شاه وهم از جانب امریکا
- ✓ پیوستن بخشی از نظامیان به صف انقلابیون، شکاف بین نظامیان و تشدید آن با خروج شاه و نخست وزیری بختیار و انحلال سواک و خروج تعدادی از فرمانده هان ارشد نظامی ایران

- ✓ بازگشت امام به ایران، پیوستن آشکار همافران و جمع کثیر دیگر نظامیان به انقلاب و دیدار ۱۹ بهمن همافران با امام خمینی
- ✓ نشست ۲۱ بهمن نخست وزیری با حضور بختیار نخست وزیر، تیمسار مقدم رئیس پیشین ساواک و معاون نخست وزیر، ارتشبد قره باقی رئیس ستاد مشترک بدراه ای... فرمانده گارد جاویدان، خسروداد فرمانده هوایی نیروی هوایی و تصمیم به سرکوب اعتراضات و پایان بخشیدن تظاهرات با دستگیری امام و دیگر رهبران انقلاب (موسوم به عملیات نجات)
- ✓ اعلان حکومت نظامی در ۲۲ بهمن و ممنوعیت حضور در خیابان از نیم روز ۲۲ بهمن برای زمینه سازی سرکوب خونین
- ✓ فرمان امام برای حضور مردم در خیابان و مقابله با هرگونه اقدام نظامی

- ✓ شکست برنامه اقدام برای دستگیری رهبران و سرکوب تظاهرات
- ✓ جلسه صبح روز ۲۲ بهمن سران ارتش با حضور ژنرال فردوسی و صدور بیانیه بی طرفی ارتش
- ✓ ترک بختیار از نخست وزیری و پنهان شدن، تصرف اماکن حساس دولتی و نظامی از جمله تلویزیون، نخست وزیری و و اعلان پیروزی انقلاب

- زمینه های انقلاب از منظر وجه کارآمدی ساختار قدرت، بحران کارآمدی دولت ها

- کارآمدی رژیم های سیاسی براساس میزان دستیابی به اهداف کلی حکومت و اجرای کار ویژه های عمومی دولت و دستیابی به آرمان و اهداف اعلام شده سنجیده می شود. کار ویژه عمومی دولت را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

اجزای کارویژه عمومی دولت :

-
- ۱- حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی
 - ۲- حل کشمکش و منازعات
 - ۳- کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت
 - ۴- کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول

۱- حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی

نخستین کارویژه عمومی دولت ایجاد همبستگی بدون از بین بردن تنوعات اجتماعی است.

در هر جامعه ای به حکم تقسیم کار اجتماعی، طبقات، شئون، گروه بندی های اجتماعی و فرهنگ ها و نگرش های گوناگونی وجود دارد.

هیچ جامعه ای بسیط و یک دست نیست، البته بر حسب تعارضات و شکاف های اجتماعی، اقتصادی، قومی و مذهبی و غیره دارای صورت بندی های گوناگون هستند.

۱- حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی

مهمترین عاملی که در جوامع از لحاظ اقتصادی موجب رقابت و کشمکش می شود مسئله ندرت منابع مطلوب است.

با توجه به چنین تعارضات و پارگی های اجتماعی، همبستگی و تداوم جامعه نیازمند تکوین هنجار ها و ارزش های مشترک کلی است.

۲- حل کشمکش ها و منازعات

در حالی که ایجاد همبستگی با ارزش های جامعه ارتباط دارد، حل منازعات به قوانین و هنجار ها مربوط می شود.

هنجار ها قواعد آشکار و آگاهانه ای هستند که در قالب قوانین و مقررات ظاهر می شوند و اغلب ضمانت اجرایی دارند.

یکی از کارویژه های اصلی دولت، داوری میان افراد متخاصل است.

۳- کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت

اهداف کلی حکومت ها معمولاً با اهداف کلی جامعه پیوند دارد و این اهداف که ممکن است در ادوار مختلف متفاوت باشد اشکال مختلفی پیدا کند.

مهمترین اهداف حکومت در دولت های امروز اهداف اقتصادی است.

سیاست های اقتصادی دولت های رفاهی امروز عبارتند از رشد اقتصادی، تثبیت اقتصادی، اشتغال کامل ، حفظ موازنہ پرداخت های خارجی، توزیع عادلانه ثروت و منابع اقتصادی.

۴- کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول

دولت های ملی مدرن در متن شبکه گسترده ای از روابط گوناگون قرار دارند و محیط پیرامون خود لاجرم داد و ستد پیدا می کند، همچنین این دولت ها از لحاظ نظامی، فنی و مالی با یکدیگر در رقابت بودند.

از همین روی پیشرفت های فنی و نظامی دولت ها حس رقابت و انگیزه اصلاح و نوسازی مالی و فنی در آن ها می انگیزد.

لازم است کارکرد اقتصادی دولت ها : کنترل اقتصادی، تداوم انباشت سرمایه، توزیع عادلانه منابع ، جلب وفاداری و حمایت مردم.

۴- کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول

وقتی این فرایند ها به درستی عمل نکند ممکن است بحران های زیر پیش آید :

- ۱- بحران عقلانیت (کنترل عقلانی اقتصاد)
- ۲- بحران مالی و اقتصادی (ضعف در تداوم انباشت سرمایه و تولید مالیه عمومی)
- ۳- بحران انگیزش (یا جلب حمایت مردمی)
- ۴- بحران مشروعیت

بررسی زمینه های انقلاب اسلامی ایران از دریچه کارآمدی رژیم پهلوی:
در چارچوب استراتژی درزمانی در فرایند زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ و تبیین دو
سوال ، نسبت بین ساختار قدرت و وجه کارآمدی .، و نسبت بین انقلاب و
وجه کارآمدی (متغیر مستقل ، متغیر وابسته)

الف/ بررسی اجزا کارآمدی رژیم پهلوی در فرایند زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰، عصر رضا شاه/ برنامه نوسازی

- ۱- ارتش متحد الشکل (سازمان اداری و بوروکراتیک (دیوان سalarی اداری) واحد و یگانه، متمرکز و یکپارچه و مخالف هرگونه مذهب گرایی میان نهاد ها و گروه ها)
- ۲- نوسازی صنعتی
- ۳- نظام آموزشی مدرن
- ۴- توسعه راه ها- راه آهن

الف/ بررسی اجزا کارآمدی رژیم پهلوی در فرایند زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰، عصر رضا شاه/ برنامه نوسازی

۵- نفت

۶- کشاورزی

تحلیل انتقادی بر کارویژه های عمومی رژیم عصر رضا شاه

الف/ بررسی اجزا کارآمدی رژیم پهلوی در فرایند زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، عصر رضا شاه : برنامه توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

آمریکا، ارتش، نفت پشتوانه اصلی رژیم در دهه ۳۰ و آغاز برنامه های ایجابی در دهه ۴۰ بود.

برنامه توسعه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شاه را می شود در چارچوب آنچه انقلاب سفید و برنامه پنج ساله توسعه نامیده می شود تحلیل کرد.

الف / بررسی اجزا کارآمدی رژیم پهلوی در فرایند زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، عصر رضا شاه : برنامه توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

مبانی نظری و تئوریکی انقلاب سفید به دیدگاه های **والتر روستو** جامع شناس معروف آمریکایی و مشاور امنیتی کنדי بر می گردد.

پروفسور والتر روستو در زمان کندي يك سلسله رفورم های اقتصادی، بویژه اصلاحات ارضی را در کشور های آمریکای جنوبی و خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی پی ریخت و در دولت جانسون ریاست شورای برنامه ریزی سیاسی وزارت خارجه آمریکا و ریاست سازمان اتحاد برای ترقی را به عهده گرفت

الف / بررسی اجزا کارآمدی رژیم پهلوی در فرایند زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، عصر رضا شاه : برنامه توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

اقتدار آکادمیک روستو که در واقع بر اهرم دیوان سالاری آمریکا مبتنی بود، بویژه در پنجمین کنگره جهانی جامعه شناسی در واشنگتن نمایان شد که در آن حدود یک هزار جامعه شناس از سراسر جهان شرکت داشتند.

روستو تئوری های خود را در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) با انتشار کتاب مراحل توسعه اقتصادی یک مانیفست غیر کمونیستی اعلام داشت.

دیدگاه روستو

دیدگاه روستو یک دیدگاه تاریخ گرایانه است.

او برای رشد جامعه بشری یک سیر تکاملی قائل است و ملأک این تکامل را سطح رشد تکنولوژی می داند.

به عبارت دیگر، روستو مانند بسیاری از تئوریسین های غربی از یک منظر « غرب مرکزی » به جهان می نگرد.

از این زاویه روستو جامعه بشری را به جامعه سنتی و جامعه صنعتی تقسیم می کند.

دیدگاه روستو

او معتقد است که جامعه پس از طی مرحله ستی وارد مرحله «ماقبل طiran» می شود.
این مرحله در واقع یک دوران گذار از کهنه به نو است.

این مرحله برای ایجاد یک ساختار صنعتی تدارک دیده می شود ولذا باید در رشته های غیر صنعتی، بویژه کشاورزی، تحولات انقلابی صورت گیرد.

روستو معتقد است این تحولات بایستی به دست یک دولت مرکزی نیرومند صورت گیرد و مهم ترین این دگرگونی اصلاحات ارضی است.

دیدگاه روستو

در این مرحله ما قبل طیران یک گروه اجتماعی جدید (نخبگان) پدید می شود که در برگیرنده بازرگانان، روشنفکران و نظامیان است.

این گروه اجتماعی جدید (نخبگان) نیروی محرکه جامعه از مرحله سنتی به مرحله صنعتی است و میان آن با نیروهای محافظه کار و مدافعين جامعه سنتی تصادم رخ می دهد.

به اعتقاد روستو این تعارض اگر کالیزه نشود ممکن است انتزاع «وراثت اجتماعی» بیانجامد.

دیدگاه روستو

روستو نقش استعمار و نو استعمار غرب را در کشورهای تحت سلطه می‌ستاید و معتقد است که مدرنیزاسیون دولت‌های غربی جوامع عقب مانده را به مسیر گذار (مرحله ما قبل طiran) وارد ساخت.

پس از اصلاحات، جامعه وارد مرحله طiran (take-off) می‌شود.

در مرحله طiran حکومت در دست نخبگان است و حکومت گران سنتی که عاجز از تطبیق خود با شرایط طiran هستند از قدرت کنار زده می‌شوند و بعلاوه بر اثر اصلاحات ارضی یک قشر جدید دهقانی پدید می‌آید که به توسعه بازار یاری می‌رساند و «طiran» را سرعت می‌بخشد.

دیدگاه روستو

عالی ترین مرحله تکامل و در واقع کمونیسم روستو که جامعه پس از «طیران» بدان خواهد رسید «مرحله مصرف پایدار کالا و خدمات است» که الگوی آن جامعه ایالات متحده آمریکا می باشد.

(ظهر و سقوط سلطنت پهلوی صفحه ۳۰۲-۳۰۳)

شیوه زندگی آمریکایی و جامعه مصرف انبوه

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

۱- دایره المعارف دموکراسی، سه ویژگی برای دموکراسی قائل است :

۱- نخست این است که بر سر احراز مناصب دولتی رقابت وجود دارد.

۲- برای تصدی سمت ها یا مقام ها، انتخابات منصفانه، بدون استفاده از زور یا اجبار و بی آنکه هیچ گروهی در جامعه حذف یا محروم شود، در دوره های مشخص برگزار شود.

۳- ویژگی سوم اینکه آزادی های مدنی و سیاسی وجود دارد تا صحت و انسجام مشارکت و رقابت سیاسی تضمین شود.

(دایره المعارف دموکراسی، سیمون مارتین لیسپت، صفحه یک)

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

۲- برنامه توسعه سیاسی یا دموکراسی شاه را می توان در سه وجه تحلیل و تبیین کرد:
الف) ایجاد احزاب سیاسی به عنوان جلوه ای از ایجاد رقابت برای احراز مناصب دولتی.

فرمان محمد رضا شاه در تشکیل دو حزب، حزب مردم ایران، حزبی به رهبری اسد ا... علم وزیر کشور و به دستور شاه نقش اقلیت را ایفا می کرد و تا سال ۵۲، نقش حزب اقلیت را بازی می کند.

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

- حزب ملیون: حزبی که به دستور شاه باید نقش اکثریت را ایفا کند.

رهبری این حزب بر عهده منوچهر اقبال نخست وزیر وقت است، که با سقوط اقبال از نخست وزیری و به قدرت رسیدن منصور جای خود را به حزب ایران نوین داد و پس از قتل منصور، هویدا نخست وزیر تا سال ۱۳۵۲ رهبری آن را به عهده دارد.

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

- حزب رستاخیز : با فرمان شاه نظام دو حزبی در ایران جای خود را به نظام تک حزبی، حزبی یکپارچه و سراسری با هدف جلب حمایت مردم و افزایش وفاداری مردم به شاه و تحت لوای ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی تشکیل و طبق فرمان شاه هویدا نخست وزیر، اولین دبیر کل حزب رستاخیز میشود.

و شعار آن، شاه، قانون اساسی و مردم بود.

محمد رضا شاه در پاسخ به تاریخ می نویسد ”وقتی در ۱۳ اسفند ۱۳۵۳ تاسیس حزب رستاخیز را پیشنهاد دادم دو هدف داشتم .

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

- ۱- در کوتاه مدت این حزب واحد با در بر گرفتن اعضاء همه طبقات اجتماعی و مردمانی از هر نوع عقیده و با ماهیت لیبرالیسم سازنده اش می توانست در وقت و نیروی انسانی صرفه جویی کند. از انجا که جبهه مخالفی در کار نبود
- ۲- در اینده این حزب می توانست یک مدرسه سیاسی و ایدئولوژیک باشد و به وحدت روح وحدت کمک کند بد بختانه غلط بودن فکر ایجاد حزب در عمل اثبات شد حزب رستاخیز نتوانست به هدفهایی که به خاطرش ایجاد شده بود نائل شود.

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

ب) انتخابات آزاد :

در سال ۱۳۳۹ انتخابات آزاد با محوریت رقابت دو حزب، مردم ایران و ملیون برگزار می‌گردد. که حزب ملیون به رهبری اقبال نخست وزیر، اکثریت مجلس را به دست می‌گیرد.

ولی به دلیل دخالت مستقیم دولت در انتخابات و بالا گرفتن اعتراضات با فرمان شاه و درخواست نخست وزیر همه نمایندگان در اولین جلسه از سمت نمایندگی استعفا می‌دهند در نتیجه اولین انتخابات به ظاهر آزاد با تعطیلی مواجه می‌شود.

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

پس از آن تا ۱۳۵۶ همواره یک رئیس مجلس، ریاضی، یک رئیس مجلس سنا، شریف امامی، و یک نخست وزیر، هویدا، قدرت را در اختیار دارند و عملاً دیگر اثری از انتخابات آزاد و استمرار آن در بازه زمانی تعیین شده وجود ندارد.

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

ج) قانون اساسی :

به عنوان تضمین کننده صحت انتخابات، انسجام و مشارکت رقابت سیاسی و آزادی های مدنی.

هر چند که قانون در برنامه توسعه سیاسی شاه به عنوان یک جز تعیین کننده بیان می شود ولی میزان پایبندی خاندان پهلوی به قانون اساسی را می توان در پنج بار تجدید نظر و بازنگری در قانون اساسی تبیین کرد :

الف / برنامه سیاسی = دموکراسی سازی در ایران

-
- ۱- در ۱۳۰۴ اصل ۳۶ قانون اساسی مورد بازنگری قرار می گیرد.
 - ۲- دومین بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۱۷ به فرمان رضا شاه صورت می گیرد.
 - ۳- سومین بازنگری قانون در سال ۱۳۲۸ صورت می گیرد، اصل ۴۸ قانون اساسی
 - ۴- چهارمین بازنگری و تجدید نظر در قانون در سال ۱۳۳۶، اصل ۴۹ قانون اساسی
 - ۵- پنجمین تغییر قانون اساسی در سال ۱۳۴۶ و با تغییر اصل ۳۸ قانون اساسی صورت می گیرد.

ب / برنامه توسعه اقتصادی

برنامه ای است برای عبور دادن ایران از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن که همان اقتصاد سرمایه داری و بازار آزاد است که تم مرکزی آن صنعتی شدن ایران است.

۱- برنامه اصلاحات ارضی

۲- برنامه های صنعتی

۳- برنامه های توسعه عمرانی

ج / برنامه توسعه اجتماعی

اصلاحات ارضی :

کشاورزی ایران در فاصله سال های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ دستخوش دگرگونی کیفی عظیمی گردید که ناشی از اثرات پردامنه برنامه اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ بوده، برنامه ای که در محور انقلاب سفید قرار گرفت.

وجه تولید به **شیوه** دهقانی، سهم بری که قرن ها و شاید هم هزاره ها در ایران مرسوم بود، با برنامه اصلاحات ارضی دستخوش دگرگونی سریعی شد و جای خود را به کشاورزی سرمایه داری داد که تاثیرش بر زمین داری، ساحتار طبقاتی روستا ها و عملکرد کشاورزی بسیار بارز و عمده " منفی بود.

اصلاحات ارضی

شاه با اجرای برنامه اصلاحات ارضی به علل مختلفی از جمله فشارهای دولت جان اف کندی، تجدید حیات جبهه ملی و این محاسبه که اصلاحات ارضی قدرت زمین داران را به نفع قدرت دولتی در روستا ها از بین خواهد برد و روستاییان را به رژیم خود وفادار خواهد کرد این برنامه را در پیش گرفت، که در چند مرحله ذیل اجرایی شد :

مراحل اجرایی کردن برنامه اصلاحات ارضی

-
- کابینه امینی - ۱۳۴۲، دکتر علی امینی و دکتر حسن ارسنجانی
 - طبق این برنامه، مالکیت مالکان بزرگ به یک روستا محدود می شد.
 - بقیه املاک هر مالک به قیمت میزان مالیاتی که هر مالک قبل از پرداخت می کرد خریداری می شد.
 - این املاک به دهقانانی که حق نسق (کار کردن روی زمین) داشتند به صورت اقساطی فروخته شد.
- این مرحله به دلیل اعتراض مالکان و مخالفت دهقانان و حتی خود شاه با سقوط امینی و ارسنجانی وزیر زمان کندي به شکست انجامید.

مراحل اجرایی کردن برنامه اصلاحات ارضی

-
- این مرحله پس از سقوط امینی و ارسنجانی و با محوریت خود شاه آغاز شد.
 - علاوه بر مالک، زن و فرزندان مالک، هر یک می توانستند یک پارچه آبادی را به خود اختصاص دهند.
 - زمین های زیر کشت ماشینی و باغ ها از شمول قانون اصلاحات ارضی معاف شدند

مراحل اجرایی کردن برنامه اصلاحات ارضی

- مالکان حق داشتند زمین خود را بفروشند، اجاره بدهند، بین خود و دهقانان تقسیم کنند، حق نسق دهقانان را بخرند و یا با آن ها شرکت سهامی زراعی تشکیل دهند.
- شاه این برنامه را انقلاب سفید در برابر انقلاب سرخ یا سوسیالیستی می نامید.
- به اصلاحات ارضی چند اصل هم گنجانده شد، مثل فروش سهام کارخانه های دولتی به مالکان بابت بهای زمین (تبدیل زمین داران به سرمایه داران صنعتی).

مراحل اجرایی کردن برنامه اصلاحات ارضی

۳- سال ۱۳۴۶- همه زمین هایی که در مرحله دوم در دست مالکان باقی مانده بودند، به دهقانان اجاره داده شد و دهقانان خردہ پا زیاد شدند، اما دولت در ضمن، زمین های بزرگ زیر کشت و شرکت سهامی زراعی شامل چند دهکده و کشاورزی صنعتی (کشت و صنعت) را در مساحت های بزرگ ایجاد نمود.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

-
- ۱- نیمی از خانوار های روستا نشین مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند، چون قرارداد سهم بردن و حق نسق نداشتند.
 - ۲- اکثریت دهقانانی که صاحب زمین شدند قطعه زمین های نامرغوبی به دست آوردهند و نیمی از زمین ها اصولاً تقسیم نشد و در اختیار مالکان بزرگ قرار گرفت.
 - ۳- در اصلاحات ارضی به دهقانان مشمول، حد اکثر ۲ هکتار زمین واگذار شد، در صورتی که حداقل مورد نیاز برای تامین معیشت ۷ هکتار بود و دهقانان بدون حق نسق باز هم بدون زمین ماندند و فقیرتر شدند.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

۴- بعد از پایان برنامه اصلاحات ارضی ۴۵۰۰۰ نفر زمین دار بزرگ که عمدتاً غایب ماندند ایجاد شد که ۱۳۵۰ نفرشان املاک وسیعی بالای ۲۰۰ هکتار داشتند. ۴۷۶ درصد زمین های مرغوب و حاصلخیز در اختیار این مالکان غایب بود (فوران ۴۵۲-۴۷۲).

این مالکان با در اختیار گرفتن سهام کارخانه های دولتی و روی آوردن به مستغلات بانکداری و بازرگانی و مقاطعه کاری، همچنان یک قدرت اقتصادی موثر نبودند.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات اراضی

۵- قبل از اصلاحات اراضی اکثریت عظیم روستا نشینان جزء دهقانان کم زمین یا کارگر مزد بگیر روستا بودند، که بعد از اصلاحات اراضی امکان پیدا کردن کار در روستا ها برای آن ها دشوار شده بود.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

۶- بدین ترتیب سطح زندگی اکثریت جمعیت روستایی با اجرای برنامه اصلاحات ارضی نیز بهتر نشد و به بدی سابق باقی ماند.

کاتوزیان می نویسد، ۳۸ درصد جمعیت روستا ها (۷/۶ میلیون نفر) در سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۱ کار سوء تغذیه بودند و ۴ درصد نیز شدیداً سوء تغذیه داشتند.

به رغم ایجاد مدرسه های روستایی توسط سپاه دانش، تنها ۱۵ درصد روستاییان در سال ۱۳۵۰ از تحصیلات ابتدایی برخوردار می شدند و در سال ۱۳۵۴، ۶۰ درصد مردان و ۹۰ درصد زنان روستایی بی سواد بودند، در سال های دهه ۹۶، ۱۳۵۰ درصد روستا ها برق نداشتند.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

۷- عمدۀ ترین پیامد برنامه اصلاحات ارضی آن بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین دار در روستا ها کرد.

سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی، سازمان دولتی نهاد های روستایی (تعاونی ها، واحد های اعتباری، خانه های اصناف) و ژاندارمری، هر یک به نوعی پایه های قدرت دولت مرکزی در روستا ها را تحکیم می نمودند.

(جان فوران صفحه ۴۷۷)

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

- جان فوران در پایان ارزیابی خود می نویسد، در نبود یک استراتژی توسعه کشاورزی جامع یا هماهنگ و با تخصیص تنها ۱۶ درصد بودجه کشور، جای تعجب نیست که نرخ رشد کشاورزی در مجموع نا امید کننده شده بود.

مطابق نظر اکثر محققان نرخ رشد دهه پنجاه ۲ تا ۳ درصد بوده که با رشد سه درصدی جمعیت، تولید کشاورزی عملاً از نسبت جمعیت عقب مانده است.

اصلاحات ارضی، ماشینی شدن کشاورزی، گسترش مناسبات سرمایه داری و ... تغییری در مسئله ایجاد نکرد.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی از ۵۰ درصد در دهه ۱۳۲۰ به ۹.۲ درصد در ۱۳۵۶-۱۳۵۷ کاهش یافت.

نرخ سالانه رشد کشاورزی ۲ تا ۳ درصد بود در حالیکه نرخ رشد سالانه مصرف به ۱۲ درصد می‌رسید.

در سال ۱۳۵۶، ۱۴ درصد از نیازهای غذایی کشور از خارج وارد می‌شد.

(جان فوران صفحه ۴۷۹)

نقد و بررسی برنامه اصلاحات اراضی

۹- جان فوران معتقد است، یکی از دلایل مشکلات کشاورزی ایران دهه ۵۰ عملکرد ضعیف واحد های کشت و صنعت و شرکت های زراعی بود.

۱۴ واحد عظیم کشت و صنعت که هر یک بیش از ۵ هزار هکتار زمین در اختیار داشتند و در فواصل سال های ۱۳۴۷-۱۳۵۷ ایجاد شده بودند اغلب در نزدیکی سد های بزرگ قرار داشتند.

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

دولت، سرمایه داران خصوصی، بانک های بین المللی نظیر چیس، پستی گروپ، بانک آمریکا، شرکت های چند ملیتی نظیر شل، پستویی، جان دیر، داوکیکال را در این عرصه وارد کرده بود، اما به رغم سرمایه گذاری عظیمی که در زهکشی، تراکتور، کود شیمیایی و مانند این ها شده بود، غیر اقتصادی بودن این واحد ها خیلی زود آشکار شد. این ها از مزرعه های دهقانی متوسط بهره کمتری داشتند.

یکی از دلایل اصلی این پیامد حیرت آور، مسئله سوء مدیریت بود.

(جان فوران صفحه ۴۸۰)

نقد و بررسی برنامه اصلاحات ارضی

۱۰- ملی کردن مراتع در اصلاحات ارضی از میزان املاک عشایر کاست و نقش عشایر را در محصولات کشاورزی و فرآورده های دامی به حداقل رساند.
جمعیت عشایر در سال ۱۲۷۹، ۲۵ درصد بود ولی در دهه ۵۰ به کمتر از ۶ درصد رسید.

برنامه صنعتی شدن

کاتوزیان در اقتصاد سیاسی ایران می نویسد دولت از یک استراتژی آگاهانه پیروی نمی کرد. وی به این نتیجه گیری رسیده است که اصولاً استراتژی قابل ذکری در کار نبود. فرد هالیدی به نقل از یک کارشناس می نویسد تنها نوع برنامه ریزی در ایران همان است که شاه می خواهد. در عین حال روند صنعتی شدن از چند الگوی مشخص پیروی می کرد.

برنامه صنعتی شدن

در دهه ۱۳۴۰ تأکید عمده بر صنعتی شدن به خاطر جایگزینی واردات در حوزه هایی چون پوشاک، مواد غذایی، اتومبیل و لوازم خانگی که در دهه ۱۳۵۰ به چند قلم کالاهای اساسی و کالاهای واسطه ای نظیر مواد شیمیایی، فولاد و ابزارهای ماشینی منجر شد.

برنامه صنعتی شدن

هرچند که این برنامه ها در اثر تزریق درآمدهای نفتی، نرخ رشد سالانه قابل توجه ۱۴/۶ درصد در سال ۱۳۵۵-۱۳۵۶ را داشته است، اما این نرخ رشدِ نوعی، دست کم از دو جهت گمراه کننده است:

۱- سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد بود و به مراتب از سهم خدمات (۳۵ درصد) و نفت (۳۵ درصد) در سال ۱۳۵۶-۱۳۵۷ کمتر می شد.

۲- صادرات صنعتی غیرنفتی تنها ۳-۲ درصد همه صادرات ایران را در سال ۱۳۵۴ تشکیل می داد که در مقایسه با کشورهایی مثل هندوستان (بیش از ۵۰ درصد)، سنگاپور (۶۰ درصد) و مکزیک (۳۳ درصد) بسیار ناچیز بوده است.

برنامه صنعتی شدن

سایر آمار و ارقام صنعتی نشان دهنده افزایش اندکی در کارخانه های کوچک هستند و تعداد این کارخانه ها در سال ۱۳۵۶ به ۷۰۰۰ رسید. همزمان در تعداد کارخانه های متوسط نیز ۸۳۰ واحد افزایش داشتیم. همچنین ۱۵۹ واحد به تعداد کارخانه های بزرگ اضافه شد. که همه اینها از برکت وجود تعرفه های حمایتی شدید و انحصارهای دارنده امتیاز سود سرمایه ها بود.

برنامه صنعتی شدن

به رغم موفقیتی که در افزایش آمار و ارقام کارخانه های صنعتی، کارگران و محصولات صنعتی ایجاد شده بود، صنعت ایران با مشکلات جدی مواجه بود. کاتوزیان می گوید: کارخانه ها به دلیل کمبود تکنسین، مدیر و مشکلات اداری در شرایط پایین تر از ظرفیت خود کار می کردند و هزینه تولید بسیار بالا بود.

برنامه صنعتی شدن

هالیدی می نویسد: کمبود کارگر ماهر، عدم کارایی، محدودیت های بازار داخلی، نبود رقابت به دلیل تعرفه های گمرکی بسیار بالا و در نتیجه ناکامی در توسعه دادن به سمت قابلیت های صادراتی، از جمله مشکلات صنایع ایران در دوره مورد بحث بوده اند.

برنامه صنعتی شدن

هاشم پسран معتقد است: صنعتی شدن جایگزین واردات، الگوی سود تصنیع بسیار بالا، نبود ارتباط زنجیره‌ای حلقه حد وسط با حلقه‌های قبلی و بعدی اقتصاد، تبعیض در مورد کشاورزی بر اثر بالا بودن ارزش ریالی و کاستن از اشتغال به خاطر صنایع سرمایه بر را مشکلات صنعتی این دوره می‌داند.

برنامه صنعتی شدن

گراهام می نویسد: تنگناهای زیربنایی (بندرهای و جاده‌ها) در جریان رونق نفتی از مشکلات اقتصادی این دوره کشور ایران بوده‌اند. وی معتقد است این تنگناها موجب اتلاف زیاد کالاهای وارداتی در بندرهای و لنگرگاه‌ها شد. فساد مzman و فرار سرمایه‌ها بعد از سال ۱۳۵۴ از جمله دلایل دیگری هستند که گراهام در مورد مشکلات اقتصادی ایران بیان می‌کند. این رویدادها موجب پایان یافتن رونق سال ۱۳۵۴ و شروع بحران اقتصادی در سال ۱۳۵۶ شدند. (فوران ۴۸۲-۱۳۵۶)

برنامه صنعتی شدن

جان فوران در تحلیل چرایی این موضوع می‌نویسد: در پشت همه این معضلات ضعف ساختاری ایران قرار داشت که خود حاصل ماهیت وابسته فرآیند صنعتی شدن ایران بود. در این زمینه به طور اخص، در کشور ایران و به طور اعم در جهان سوم، مشکلات خاص استراتژی این کشورها با جایگزینی واردات رخ نمایی کرد. در این کشورها به دلیل شمار ضرورتاً محدود طبقه متوسط و بالا، تولید تنها در حد مشخصی بازار مصرف دارد.

برنامه صنعتی شدن

جان فوران معتقد است: اگر مانند ایران تعریفه های سنگین و انحصارهای مختار به سود سرشار و تضمین شده ای هم بیانجامد، در آن صورت فرآورده ها در بازار جهانی قابل رقابت نبوده و تنها برخی از اقلام قابلیت صادر شدن می باشند. خود این امر در بلندمدت و هنگامی که منابع نفتی پایان پذیرد، فاجعه بار خواهد شد. از این گذشته، بخش صنعتی جدید در مجموع به لحاظ سرمایه، تکنولوژی، مدیریت و فرآورده تا حد زیادی به مشارکت خارجیان وابسته بود.

برنامه صنعتی شدن

جان فوران می نویسد: سرمایه خارجی در صنایع اتومبیل، لوازم خانگی، مواد شیمیایی، دارویی و پلاستیکی جنبه غالب داشته و حتی در صنایع نسبتاً بومی نظیر بافندگی و ساختمان سازی نیز جای پای خود را باز کرد (ص ۴۸۶).

در کل بخش صنعتی با استفاده از ماشین های وارداتی، اجزای وارداتی را به یاری تکنولوژی وارداتی مونتاژ می کرد که گاه این کار به صورت یک سرمایه گذاری مشترک انجام می شد و در نهایت فرآورده های نامرغوب با قیمت بالا و تضمین شده به فروش می رساند و بخشی از سود حاصل را از کشور به خارج می فرستاد. این یک تحول وابسته بود (ص ۴۸۶).

برنامه صنعتی شدن

جان فوران می نویسد: عمدۀ ترین بخش وجه تولید صنعتی این دوران، طبقات شهری بودند که طبقات بالا را تشکیل می دادند و در فرآیند صنعتی شدن دهه ۱۳۴۰ هم نقش اصلی را داشتند و با تخصیص درآمدهای نفتی و ایجاد زیربناهای از طریق وام، پروانه امتیاز و مقاطعه به هماهنگ کردن سرمایه داخلی با سرمایه خارجی در شرکت‌های مشترک اقدام می‌کردند. هرچند که سهم مالکیت دولت در صنعت در فرآیند اصلاحات ارضی کاهش یافت ولی در پی افزایش درآمد نفتی نقش دولت در سرمایه گذاری صنعتی از ۴۰ درصد در دهه ۱۳۴۰ به ۶۰ درصد در دهه ۱۳۵۰ افزایش یافت.

برنامه صنعتی شدن

فرد هالیدی معتقد است: توسعه صنعتی در فاصله سال های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ تا حد زیادی مرهون نقش مسلط دولت بوده است.

سرمایه داران محلی در زمان شاه از طیف زمین داران، خانواده های سرشناس قدیمی شهری، تاجران بازار، رده های بالای دولتی و افسران ارشد ارتش بر می خاستند. اینها همه به نوعی با خاندان سلطنتی تماس می گرفتند، چون یکی از شرایط موفقیت در آن زمان این بود که شخص از دربار حمایت شود.

برنامه صنعتی شدن

در سال ۱۳۵۱، ۵۶ خانواده در ۱۷۷ شرکت از میان ۳۶۴ شرکت بزرگ صنعتی سهام داشتند. به گزارش هالیدی، تنها ۴۵ خانواده، ۸۵ درصد از شرکت‌ها را در کنترل داشته‌اند. آبراهامیان می‌گوید: هزار فامیل ۸۵ درصد همه شرکت‌ها را در کنترل داشته‌اند. در مجموع در سال ۱۳۵۵ صاحبان سرمایه‌های بزرگ (کارفرمایان) ۲۲۰ هزار نفر می‌رسید که ۴۵ خانواده ۸۵ درصد شرکت‌ها را در کنترل خود داشته‌اند. سومین طرف این اتحاد سه گانه، سرمایه خارجی بود که نقش آن اقتصاد ایران در دوره موردنظر را آنچنان شکل داد که به مراتب از مقیاس یکصد ساله فراتر رفت.

برنامه صنعتی شدن

جان فوران معتقد است: سرمایه خارجی در ایرانِ این دهه، در مهم‌ترین بخش اقتصادی ایران تمرکز یافته بود. از جمله این بخش‌ها، کشت و صنعت، ۳ شرکت از ۵ شرکت عظیم پتروشیمی، چهار کارخانه از پنج کارخانه بزرگ شیمیایی، ۱۴ کارخانه از ۱۸ کارخانه دارویی، تمام کارخانه‌های پلاستیک سازی، همه صنایع اتومبیل سازی، ۳۷ واحد از ۴۲ واحد صنعتی تولید کننده ماشین‌های برقی و غیربرقی و نیز شرکت صنایع آهن و فولاد بود.

برنامه صنعتی شدن

حتی بخش‌های قدیمی‌تر و جاافتاده‌ای مثل تولید مواد غذایی، ساختمانی و پارچه بافی به تدریج در قلمرو شرکت‌های چند ملیتی قرار گرفتند. به طوری که چند ملیتی‌ها در صنایع سرمایه‌بر و تکنولوژی طلب، بزرگترین و سودآورترین شرکت‌های ایران را دارا بودند. سرمایه‌های خارجی که در سال ۱۳۴۱ وارد ایران شد، ۹/۵ میلیارد ریال (۱۲۶/۶ میلیون دلار) بود. در حالی که در سال ۱۳۵۱، ۹۲۳/۸ میلیارد ریال (۱۲/۳ میلیون دلار) سرمایه از ایران خارج شد. (ص ۴۸۹)

بررسی زمینه های انقلاب از منظر وجه ایدئولوژیک دولت ها

تعريف

همه دولت‌ها دارای چهره ایدئولوژیک و مشروعيت بخش هستند و در توجیه حکومت خود و اطاعت اتباع دلایل و توجیهاتی می‌آورند. دلایلی که حکام برای توجیه می‌آورند ممکن است درون گروهی باشند، یعنی خود را محقق در حکومت بدانند. در آن صورت منظور از مشروعيت، حقانیت است. همچنین ممکن است این دلایل برون گروهی باشند، یعنی قابل ارزیابی و داوری به وسیله گروه‌های خارج از حکومت باشند. مشروعيت در مفهوم قانونیت پذیرش همگانی محبوبیت و کارآمدی، خصلت برон گروهی دارد. یکی از کارهای ویژه‌ای که حکومت‌ها برای مشروعيت خود بکار می‌گیرند ایدئولوژی‌ها هستند. این ایدئولوژی‌ها دستپاه‌های فکری هستند که دولت‌ها به وسیله آنها به خود مشروعيت می‌بخشنند.

عوامل مؤثر بر بحران مشروعیت در وجه ایدئولوژیک دولت‌ها

- ۱- پیدایی ایدئولوژی‌های رقیب و بسیج افکار عمومی بر گرد آن در مقابل ایدئولوژی مسلط.
- ۲- پیدایش تعبیر و تغییر دگرگون از ایدئولوژی مسلط
- ۳- بحران در کارکردهای عمومی در دولت در مواردی که مشروعیت رژیم‌ها با کارآمدی آنها پیوند نزدیکی در افکار عمومی پیدا کرده باشد.
- ۴- ترکیب اصول مشروعیت بخش متعارض در درون دستگاه ایدئولوژی مسلط و بروز تعارض فزاینده میان آن اصول
- ۵- عدول طبقه حاکم سیاسی در عمل از اصول و مبانی نظری ایدئولوژی مشروعیت بخش مسلط
- ۶- تحول در افکار عمومی و خالی شدن تکیه گاه اجتماعی ایدئولوژی مسلط که همان مفہم متداول بحران مشروعیت است.

تبیین زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه ایدئولوژیک: بحران مشروعیت

سؤال:

- ۱- نسبت بین وجه ایدئولوژیک و ساختار قدرت ایران عصر پهلوی ۱۳۰۴-۱۳۵۷
- ۲- نسبت بین وجه ایدئولوژیک و انقلاب اسلامی ایران

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

الف) ایران عهد رضاشاھ ۱۳۰۴-۱۳۲۰

- ۱- به حاشیه رفتن گفتمان مشروطه خواهی به عنوان ایدئولوژی مشروعیت ساختار قدرت رژیم مشروطه در ایران
- ۲- گفتمان سازی چندوجهی ایران عهد رضاشاھ با برجسته شدن مؤلفه هایی چون امنیت، پیشرفت، ترقی، تجدد، مدرن، دولت مقتدر

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

- مبانی و اجزای دستگاه فکری مشروعیت بخش قدرت ایران عصر رضا شاه
- ۱- ناسیونالیسم ایرانی
- ۲- غرب گرایی (تجدد و مدرن)
- ۳- باستان گرایی (بازخوانی تمدنی تاریخ ایران)
- ۴- شاه مظہر اقتدار
- ۵- سکولاریزم

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

الف) ایران عهد رضاشاہ ۱۳۰۴-۱۳۲۰

۳- جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، سقوط رضاشاہ و فروپاشی ساختار قدرت و عدم حمایت مردمی:
نمایش فقدان مشروعیت سلطنت رضاشاہ پهلوی

ب) ایران عهد محمد رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۵۷

۱- ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی چارچوبی برای مشروعیت بخشی سلطنت محمد رضا پهلوی
اجزای ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی:

۱- باستان گرایی ۲- غربگرایی ۳- ناسیونالیسم حاد ایرانی ۴- سکولاریزم ۵- شاهی آرمانی

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

ب) ایران عهد محمد رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۵۷

۲- پیدایش ایدئولوژی های رقیب

۱- بازسازی گفتمان مشروطه خواهی در دهه بیست با دال مرکزی ملی گرایی و لیبرالیسم و نمادساز دولت مصدق در دهه های سی، چهل و پنجاه با محوریت جبهه ملی و بازسازی آن در ادوار مختلف یک وجه از پیدایش ایدئولوژی رقیب بود

۲- بازسازی گفتمان مارکسیستی در دهه ۲۰ با محوریت حزب توده شروع فصل نوینی از فعالیت ایدئولوژی مارکسیستی در ایران و فعالیت پر فراز و نشیب آن در دهه های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ به عنوان وجه دیگری از ایدئولوژی رقیب بود

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

ب) ایران عهد محمد رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۵۷

۲- پیدایش ایدئولوژی های رقیب

۲-۳)- پیدایش و شکل گیری ایدئولوژی های التقاطی و ترکیبی که یک سر طیف این ایدئولوژی ها ملی گرایی، لیبرالی و مارکسیستی و طیف دیگر آن نوعی اسلام گرایی منهای روحانیت قرار داشت. سوسیالیست های خداپرست، نهضت آزادی، سازمان مجاهدین خلق و هواداران دکتر شریعتی ضلع دیگری از ایدئولوژی رقیب بودند

۴-۲)- ظهور گفتمان اسلام گرایی بر محور نقش آفرینی امام خمینی از دهه ۴۰ و اوچ یابی آن در دهه ۵۰ شمسی، ایجاد ظرفیت های بسیج مردمی به صورت سراسری و فraigیر با دال مرکزی انقلاب علیه رژیم پهلوی، شکل گیری شکل گیری بسیج مردمی علیه رژیم در سال های ۵۶ و ۵۷ و ایجاد یک انقلاب مردمی

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

ب) ایران عهد محمد رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۵۷

۳- عوامل مؤثر بر بحران مشروعيت سلطنت پهلوی

۱- پیدایی ایدئولوژی رقیب و بسیج افکار عمومی بر گرد آن در مقابل ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی

۲- بحران در کارکردهای عمومی در دولت با توجه به اینکه یکی از تلاش های رژیم پهلوی هم در عصر رضا شاه و هم در عصر محمد رضا شاه پیوند زدن بین کارآمدی و مشروعيت بود. به خصوص در سال های منتهی به انقلاب اسلامی

۳- ترکیب اصول مشروعيت بخش متعارض در درون دستگاه ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی و فقدان ظرفیت بازسازی در این ایدئولوژی

۴- تحول در افکار عمومی و حالی شدن تکیه گاه اجتماعی ایدئولوژی شاهنشاهی آرمانی با توجه به فقدان ظرفیت بازسازی و تطبیق با تحولات جدید

تحلیل انتقادی ساختار قدرت در ایران عصر پهلوی از منظر ایدئولوژیک

ب) ایران عهد محمد رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۵۷

۴- فقدان مشروعیت یابی سلطنت پهلوی از رضا شاه تا محمد رضا شاه چرایی آن علاوه بر نکات مندرج در عوامل بحران مشروعیت رژیم پهلوی می توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

کودتا، وابستگی، استبداد حکومتی و مبارزه آشکار با دین که ۴ مؤلفه عدم موفقیت تلاش های مشروعیت بخش خاندان پهلوی علی رغم استمرار نیم قرن سلطنت پهلوی و کوشش های به عمل آمده بود.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر وجه خصوصی دولت ها

تعريف

در هر جامعه ای برخی گروه‌ها که در رابطه با دولت دارای موقعیت استراتژیک و ممتازی هستند از توانایی‌های مالی بیشتری برخوردار هستند و با گروه‌های حاکم رابطه نزدیکی دارند و توانایی اعمال نفوذ آنها بر دولت بیشتر است و دولت نیز به آنها نیاز بیشتری دارد.

یکی از مشاجرات اساسی در فلسفه سیاسی آن است که آیا دولت نماینده منافع و مصلحت عمومی است و یا اینکه در پس این ادعای متداول چهره حقیقی دولت‌ها نهفته است و آن اینکه در جوامع طبقاتی نمی‌تواند پاسدار منافع عمومی باشد بلکه منافع بخشی از جامعه را در مقابل بخش دیگر نمایندگی می‌کند.

تعریف

دولت‌ها از یک سو کار ویژه‌های عمومی انجام می‌دهند و دستگاه دیوانی گسترده‌ای برای این کار ایجاد می‌کنند و بر حسب شکل و ماهیت اجتماعی خود کم و بیش به تأمین خدمات عمومی اقدام می‌نمایند، ولی از سوی دیگر هم تردیدی نیست که دولت‌ها دارای چهره خصوصی نیز هستند و در همه جا گروه‌های ممتاز ذی نفوذ و برجسته‌ای وجود دارند که از منافع قدرت برخوردارند و بر سیاست‌های دولتی اعمال نفوذ می‌کنند.

میزان وابستگی دولت و یا استقلال نسبی آن از گروه‌ها و طبقات اقتصادی بستگی به چند عامل دارد:

۱- اولاً در صورتی که طبقه مسلط اقتصادی دارای وحدت و سازماندهی و تمرکز باشدند.

۲- در صورتی که طبقات متوسط و پایین از سازماندهی و جهت‌گیری ایدئولوژیک و وحدت لازم برخوردار نباشند

تعريف

- ۳- وقتی قدرت طبقات و گروه‌های اجتماعی قدیم به دلایل تاریخی کاهش یافته باشد.
- ۴- وقتی میزان همبستگی و تداخل میان شئون اجتماعی خاصی مانند روحانیون، روشنفکران و نظامیان با طبقات بالا باشد.

در این صورت وابستگی دولت به این طبقات افزایش می‌یابد. بر عکس در صورت وجود اختلاف درونی و شکاف میان طبقه مسلط اقتصادی، افزایش سازماندهی و مشارکت طبقات کارگری، تداوم قدرت طبقات اجتماعی قدیم و تعارض میان شئون اجتماعی مذکور با طبقه مسلط اقتصادی، استقلال نسبی دولت افزایش می‌یابد.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر وجه خصوصی دولت ها

براساس نوع رابطه قدرت دولتی با طبقات و شئون اجتماعی انواع مختلفی دولت وجود دارد:

۱- ممکن است ائتلافی از نیروهای اجتماعی به عنوان پایگاه دولت ظاهر شود

۲- ممکن است دولت نماینده تعادل و توازن طبقات و نیروهای اصلی در جامعه باشد

۳- ممکن است خود دولت تعادل و توازنی میان آن ها ایجاد کند

۴- ممکن است دولت منافع طبقات قدیم در مقابل طبقات جدید را سازماندهی کند

۵- ممکن است بر فراز طبقات مسلط، به بسیج کردن طبقات پایین دست بزند

پیدایش شکاف و اختلاف هم در درون گروه های سیاسی حاکم و هم بین آن ها و طبقه اقتصادی مسلط معمولاً یکی از زمینه های بحران زا و عوامل اصلی در فروپاشی رژیم های دموکراتیک بوده است. طبقه حاکمه ای که دچار شکاف درونی شود، لاجرم از لحاظ توانایی در کاربرد ابزارهای قهر و سرکوب برای جلوگیری از مخالفت و مقاومت در برابر خوب آسیب می بیند.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر وجه خصوصی دولت ها

عوامل گوناگونی به پیدایش شکاف در درون طبقه سیاسی حاکم می انجامد:

- ۱- اصلاحات مالی و اقتصادی که به منافع گروه های دارای قدرت و حکومت سیاسی آسیب برساند
- ۲- اختلاف نظر در چشم اندازها و سیاست گذاری ها و شیوه برخورد با بحران های دیگر
- ۳- کوشش بخشی از نخبگان حاکم برای نگهداری خود در شرایط بحران و خطر از طریق قربانی کردن بخش های دیگر
- ۴- رقابت شخصی رهبران و هیئت حاکمه بر سر استیلا و تفوق که یکی از ویژگی های ذاتی رژیم های غیردموکراتیک به شمار می آید
- ۵- تعبیرهای گوناگون از ایدئولوژی های مسلط و احتمال پیدایش شکاف ایدئولوژیک در درون نخبگان سیاسی حاکم

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از

منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

۱- نسبت بین ساختار قدرت و وجه خصوصی

۲- نسبت بین انقلاب و وجه خصوصی

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

الف) تبیین ساختار قدرت ایران عصر رضاشاه از منظر پایگاه خصوصی

کودتای نظامی، استقرار رژیم نظامی یکه تاز و پدر سلطانی و روی آوری به درآمدهای نفتی برای انجام پروژه نوسازی، مانع از ایجاد یک نسبت متوازن بین ساختار قدرت و گروه های اجتماعی و اقتصادی شده است و اتکا استمرار و بقاء رژیم به ارتش منجر به این شد که رژیم رضاشاه بر فراز طبقات، حتی طبقات مسلط مثل نظامیان، روشنفکران و دیوان سalarی اداری به کنترل جامعه و گروه های اجتماعی بپردازد بطوریکه در مواجهه با اشغال نظامی و فروپاشی ساختار قدرت و سقوط رضاشاه، رژیم سیاسی رضاشاه با فقدان حمایت اجتماعی از سوی طبقات مسلط اقتصادی، طبقه متوسط و طبقه پایین جامعه اعم از کارگران، دهقانان، کشاورزان، روستائیان و کارمندان دستگاه های دیوان سalarی تا شئون اجتماعی اعم از روحانیون، نظامیان و روشنفکران مواجه شد. این وضعیت در حدائق زمان ممکن سقوط و فروپاشی رژیم رضاشاهی و تبعید او از ایران را فراهم نمود. این در صورتی بود که نظامیان و روشنفکران پایگاه حمایتی رضاشاه را تشکیل می دادند.

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

هر چند که تحولات ساختار قدرت دهه بیست در صورت استمرار آن و موفقیت در ایجاد ثبات سیاسی و کارآمدی می توانست نوید دهنده استقرار یک ساختار قدرت مبتنی بر حمایت اجتماعی و پایگاه اجتماعی باشد؛ اما کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و ورود پیدا کردن نظامیان به عرصه مناسبات قدرت و استمرار آن روند جدیدی را ترسیم کرد که در پی آن ساختار قدرت در ایران دهه سی، چهل و پنجاه همانند عصر رضا شاه بر فراز طبقات اجتماعی تمرکز یابد.

ارتش، آمریکا و نفت سه ستون ساختار قدرت این سه دهه بودند که امکان شکل گیری یک دولت برآمده از طبقات اجتماعی و حتی اقتصادی را ممتنع کرد. اگرچه تحولات به وجود آمده در اشکال دیوانسالاری اداری و گسترش آن در سراسر کشور، شروع روند تغییرات اقتصادی به خصوص غالب شدن نوعی اقتصاد شبه سرمایه داری، سرعت بخشیدن روند صنعتی شدن

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

ایران توسعه نظام آموزشی از آموزش ابتدایی تا آموزش متوسطه و آموزش عالی با ایجاد دانشگاه‌ها و آموزشکده‌ها و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص، اصلاحات ارضی و تغییرات اجتماعی به وجود آمده در شهرها و روستاهای توسعه شبکه بهداشت و درمان و تحولات فرهنگی می‌توانست امکان شکل‌گیری یک دولت دارای پایگاه اجتماعی مثل تکنولوژی‌های روش‌فکران، نظامیان، سرمایه‌داران و طبقات متوسط شهری را فراهم آورد؛ اما فرآیند ساختار قدرت متکی بر ارتش و حمایت آمریکا و بهره‌مند از درآمدهای نفتی منجر به هژمون شدن قدرت در شخص محمد رضا شاه و شخصی شدن قدرت به عنوان یک رژیم پدرسالاری که یکه تاز شده است. به طوری که محمد رضا شاه در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان در سال ۵۵ با غرور و افتخار اعلام می‌دارد که نیاز به حمایت مردم ندارد و سرمیست در غرور شاهی آرمانی خود ساخته است.

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

برگزاری جشن های تاج گذاری، جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، جشن پنجمین سال سلطنت پهلوی جلوه ای از رژیم سیاسی ای به نمایش در می آمد که خود را برآمده از فرهایزدی و بی نیاز از هرگونه حمایت و یا پایگاه اجتماعی می دانست و خود را فراتر از زمین می دانست.

تعابیری چون خدایگان برازنده شماست، شاه شاهان، قبله عالم و ... ترسیم کننده وجه فرازمینی این رژیم است. هرچند که در پی گشایش های اقتصادی به وجود آمده ناشی از سرمازیر شدن سیل درآمدهای نفتی در ایران زمینه شکل گیری باندها، حلقه ها و شبکه های قدرت و ثروت را به وجود آورد. دسته های مختلف ثروت، قدرت، شهرت، منزلت و ... به خصوص به صورت خانوادگی به وجود آمدند که در پی افزون به ثروت، قدرت، شهرت و منزلت خود با اتصال به ساختار قدرت بودند.

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

اما هیچکدام از این دسته ها، باندها، حلقه ها و طبقات، گروه ها یا جریانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نمایندگی نمی کردند و متصل بودن آنها به قدرت نمایانگر پایگاه اجتماعی یا اقتصادی و فرهنگی نبود. این باندها و دسته ها چون غلام خانه زاد حتی در سطح رجالی چون علم، هویدا، شریف امامی و... خود را غلام خانه زاد دربار شاهنشاهی تلقی می کردند که از خان نعمت و لطف کرم همایونی بهره مند هستند. باندها و دسته های گوناگون و متفاوت، هر یک از طریق یکی از نزدیکان شاه به دربار و در رأس آن شاه وصل می شدند اعم از اشرف، شمس، فرح، تاج الملوك، برادران و فرزندان و دیگر بستگان و برخی افراد مورد وثوق و سران نظامی و حکومتی وفادار به شاه.

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

شاه با ایجاد حزب رستاخیز در صدد گسترش وفاداری همه مردم به خود و تبدیل همه مردم ایران به بندۀ قدردان ولی نعمت خود بود. شاید در سایه انتظار توهمندی در همه مردم ایران بایستی قدردان شاه به عنوان ولی نعمت و منجی ملت ایران بود که شکل گیری اعتراضات مردمی و سراسری شدن و شکل گیری بسیج مردمی علیه او و خاندان سلطنتی دور از انتظار، غیرواقعی و یک توطئه تلقی می شد.

در مجموع می توان گفت که ارتش، آمریکا و درآمد فراوان نفتی سه ستونی بودند که رژیم شاه را از اتکا به گروه‌ها و طبقات اجتماعی بی نیاز کرد و شاه خود را فراتر از زمان و مکان و مردم خود تلقی و تعریف می کرد.

تبیین و تحلیل زمینه های انقلاب اسلامی از منظر وجه خصوصی رژیم پهلوی

ب) تبیین ساختار قدرت ایران عصر محمد رضا شاه از منظر پایگاه خصوصی

در چنین وضعیتی است که وقتی رژیم محمد رضا شاه با بسیج مردمی مواجه می شود، از هیچ گونه حمایت مردمی برخوردار نیست و تلاش گسترده مثلث ارتش، دربار و آمریکا نتوانست کوچکترین حمایت اجتماعی و عمومی را برای بقای رژیم به نمایش بگذارد که این به دلیل فقدان وجود کانال ها و مسیرهای ارتباط بین ساختار قدرت و بدنه عمومی جامعه بود.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر زمینه های اجتماعی (زمینه های عمومی انقلاب)

بررسی زمینه های انقلاب از منظر زمینه های اجتماعی (زمینه های عمومی انقلاب)

مقدمه و تعریف

مطابق چارچوب کلان طرح درس تحلیل و تبیین دگرگونی و تحولات سیاسی از جمله دگرگونی انقلابی در دو سطح قرار شد مورد بررسی و تجربه و تحلیل قرار گیرد. یک سطح تحلیل مربوط به ساختار قدرت و دیگری سطح تحلیل مربوط به حوزه اجتماعی و عمومی؛ لذا در ادامه بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی می پردازیم. بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی را در چهار وجه می توان گرفت:

۱- نارضایتی عمومی ۲- سازمان ۳- ایدئولوژی ۴- رهبری

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

نارضایتی هایی که زمینه اجتماعی سازماندهی مقاومت در برابر رژیم ها را تشکیل می دهند، با توجه به تجربه تاریخی دارای درجات و تنوع بسیاری هستند. نارضایتی همچون سوخت جنبش مقاومت ممکن است انواع گوناگونی داشته باشد؛ و برای به حرکت درآوردن جنبش های مقاومت تنها یک نوع سوخت به کار نمی آید. از آن جمله می توان شکاف های طبقاتی و افزایش آنها، اختلاف منافع طبقاتی و افزایش آگاهی نسبت به آن، ضعف در ساز و کار چرخش نخبگان سیاسی، انسداد مجاری تحرک اجتماعی، شیوع ایدئولوژی های آرمانی، آنومی و ضعف همبستگی اجتماعی در شرایط جامعه توده و گذار جامعه سنتی به جامع مدرن و ناخرسندی عمومی اشاره کرد.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

وقتی نارضایتی را در سطح کل جامعه در نظر بگیریم چند وضع به افزایش آن می انجامد:

الف) افزایش توقعات عموم بدون اینکه افزایشی در امکان تامین آنها رخ داده شود.

ب) کاهش امکانات در نتیجه بحران های اقتصادی (شامل بیکاری، افزایش قیمت ها، رکود، کاهش دستمزدها و ...)

ج) افزایش امکانات و رفاه عمومی در طی دوران دراز مدتی که به رکود ناگهانی و کوتاه مدتی می انجامد.

د) افزایش توقعات و انتظارات عمومی همراه با کاهش آن (بشریه ص ۶۶)

تر محرومیت نسبی جیمز دبوس و تد رابرт گر از رهیافت های مهمی هستند که به بررسی زمینه های انقلاب و وقوع بسیج انقلابی می پردازند. تد رابرт گر محرومیت نسبی را اختلافی را که تصور می شود میان انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی انسان ها وجود دارد تعریف می کند و استدلال می کند که این محرومیت نسبی همبستگی مستقیمی با شدت و گستره خشونت سیاسی دارد.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

از نظر رابرт گر انواع راه هایی که به محرومیت نسبی می پردازند عبارتنداز:

- محرومیت کاهشی که مطابق آن انتظارات ثابت می مانند ولی توانایی دولت برای تامین آن ها کاهش می یابد
- محرومیت آرمانی که مطابق آن قابلیت دولت برای تامین انتظارات ثابت است ولی انتظارات افزایش می یابند
- محرومیت پیش رونده که مطابق آن انتظارات افزایش ولی قابلیت و توانایی دولت کاهش می یابد (الگوی منحنی جی)
- محرومیت شتاب یافته که مطابق آن هم انتظارات و هم قابلیت دولت برای عرضه رفاه و امکانات مادی افزایش می یابد ولی با آهنگی متفاوت به گونه ای که دومی نمی تواند به پای اولی برسد (چرا انسان ها شورش می کند ص ۲۵)

منطق این الگو بر میزان اختلاف میان عملکرد مورد انتظار و عملکرد واقعی دولت استوار است. هنگامی که این اختلاف به نقطه بحرانی می رسد وضعیتی انقلابی به وجود می آید که یکی از مهم ترین جلوه های آن خشونت سیاسی است.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

تدریب را برتر گر خشونت سیاسی را به شرح زیر تبیین می کند:

۱- نهادها، اشخاص و سیاست های فرمانروایان در زندگی سازمان یافته سیاسی، الهام بخش قهر خشونت آمیز رعایای اسمی آن ها بوده است.

۲- بین سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ اشکالی از منازعه خشونت آمیز داخلی در ۱۲۱ مورد از ملل مختلف جهان اتفاق افتاد.

۳- خشونت سیاسی به دو معنا تهدیدی را متوجه نظام سیاسی می سازد: (الف) آنها انحصار زوری را که در نظریه های سیاسی به دولت واگذار شده به چالش می کشند (ب) از نظر کارکردی در فرآیند عادی سیاسی اختلال ایجاد می کنند و در حالت شدیدتر آن ها را نابود می سازند.

۴- خشونت جمعی بع عنوان یک پدیده سیاسی غیراقدار آمیز دو سوال بنیادین را پیش روی علم سیاست می گذارد: اول: خشونت از چه منابعی و طی چه فرآیندهایی ظهور می کند. دوم: چگونه بر نظم سیاسی و اجتماعی تاثیر می گذارد؟

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

تمد را برتر گر خشونت سیاسی را به شرح زیر تبیین می کند:

- ۵- در تبیین خشونت سیاسی به سه سوال بایستی پاسخ داد:
 - منابع روانی و اجتماعی بالقوه خشونت جمعی کدامند؟
 - میزان تمرکز آن پتانسیل بر نظام سیاسی را چه عواملی تعیین می کنند؟
 - کدام شرایط اجتماعی بر حجم و شکل و در نتیجه پیامدهای خشونت تاثیر می گذارد؟

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱- نارضایتی عمومی

ند را برت گر خشونت سیاسی را به شرح زیر تبیین می کند:

۶- توالی علی عمدہ در خشونت سیاسی ابتدا با بروز نارضایتی آغاز می شود، در مرحله دوم این نارضایتی سیاسی می شود و نهایتا به تحقق عمل خشونت آمیز علیه موضوعات یا بازیگران سیاسی می انجامد.

- نارضایتی حاصل از ادراک محرومیت نسبی شرط اساسی انگیزانده مشارکت کنندگان در خشونت جمعی است
- محرومیت نسبی به عنوان تصور وجود تفاوت میان انتظارات ارزشی انسانها و تواناییهای ارزشی آنها تعریف می شود
- انتظارات ارزشی کالاهای و شرایط زندگی ای هستند که مردم خود را مستحق آن می دانند
- تواناییهای ارزشی کالاهای و شرایطی هستند که فکر می کنند در صورت در اختیارداشتن ابزارهای اجتماعی می توانند آنها را بدست آورند
- آن دسته از شرایط اجتماعی که بدون افزایش توانایی ها، سطح متوسط یا شدت انتظارات را افزایش می دهند باعث افزایش نارضایتی می شوند. دستاوردهای ارزشی گروه های دیگر، وجود وعده های معینی بر اعطای فرصت های جدید از جمله شرایطی هستند که چنین تأثیری بر جای می گذارند.

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

تمد را برتر گر خشونت سیاسی را به شرح زیر تبیین می کند:

- ۷- سیاسی شدن نارضایتی: متغیرهای اجتماعی که باعث می شوند نارضایتی بر اهداف سیاسی متمرکز گردند عبارتند از:
 - الف) میزان تضمین های فرهنگی یا خرده فرهنگی برای پرخاشگری آشکار
 - ب) میزان و درجه موفقیت خشونت سیاسی در گذشته
 - ج) میزان وضوح و شیوع جاذبه های توجیه کننده خشونت
 - د) میزان مشروعیت نظام سیاسی و نوع پاسخ هایی که به محرومیت نسبی داده می شود

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۱ – نارضایتی عمومی

تد را بر ت گر خشونت سیاسی را به شرح زیر تبیین می کند:

۸- تحقیق یافتن خشونت سیاسی تحت تاثیر عوامل زیر است:

الف) کنترل بر نیروی اجبار، ظرفیت های قهرآمیز یک رژیم و چگونگی استفاده از آن متغیرهای مهمی

هستند که بر شکل و میزان خشونت سیاسی در کوتاه مدت و بلند مدت تاثیر می گذارند

ب) حمایت نهادی در اجتماع سیاسی، میزان حمایت نهادی از مخالفان رژیم، تابع میزان نسبی جمعیت

بسیج شده توسط سازمان آنها، پیچیدگی و انسجام آن سازمان ها منابع و رویه های منظمی است که آنها

برای کسب ارزش، حل تعارض و هدایت خشونت تدارک می بینند

تحلیل و تبیین نارضایتی در ایران عصر پهلوی به عنوان یکی از زمینه های اجتماعی انقلاب ایران

- الف) تحلیل و تبیین ساختار قدرت از دریچه رضایت و عدم رضایت و تبیین چرایی نارضایتی
- ب) تحلیل و تبیین روند شکل گیری جنبش انقلابی و عینیت یابی نارضایتی و روند اعتراضات

تحلیل و تبیین نارضایتی در ایران عصر پهلوی به عنوان یکی از زمینه های اجتماعی انقلاب ایران

الف) تحلیل و تبیین ساختار قدرت از دریچه رضایت و عدم رضایت و تبیین چرایی نارضایتی

تحلیل و تبیین نارضایتی در ایران عصر پهلوی به عنوان یکی از زمینه های اجتماعی انقلاب ایران

ب) تحلیل و تبیین روند شکل گیری جنبش انقلابی و عینیت یا بی نارضایتی و روند اعتراضات

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۲- سازمان

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۳ - ایدئولوژی

بررسی زمینه های انقلاب از منظر اجتماعی: ۴- رهبری